

پژوهش

# تحولات سیاست عربستان سعودی در قبال ایران؛ انگیزه ها، ویژگیها و برآیند سیاستها

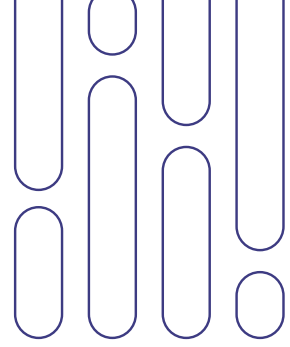
10 سپتامبر 2023م

دکتر محمود ابوالقاسم

پژوهشگر موسسه بین المللی مطالعات ایران (رسانه)



**RASANA**  
المعهد الدولي للدراسات الإيرانية  
International Institute for Iranian Studies



## فهرست

- 3.....مقدمه
- 4.....نخست: عربستان سعودی و ایران: خاستگاهها و چارچوب کلی روابط
- 9.....دوم: سیاستهای تدافعی و قدرت بازاندگی در مقابل طمع ورزی
- سوم: دیپلماسی و سیاست تنش زدایی در چارچوب چشم انداز خاورمیانه
- 15.....جدید که توسط پادشاهی عربستان سعودی ترسیم شده است
- 19.....چهارم: پیامدهای این سیاستها بر هر دو کشور

## مقدمه

توافق پکن که در مارس 2023 میلادی میان عربستان سعودی و ایران به امضا رسید، علاوه بر اینکه یک شوک به دنیای غرب وارد کرد، واکنشهای متضادی را نیز به دنبال داشت. در اکثر موارد، این رویداد و مخصوصاً ارزیابی سیاست عربستان سعودی، از یک تحلیل بیطرفانه بی نصیب مانده است؛ زیرا تحلیلهایی که صورت گرفته از زوایای امنیتی و ژئوپلیتیک به مسأله پرداخته و از سیاست داخلی و خارجی که عربستان سعودی در سطح منطقه و جهان در پیش گرفته است غفلت نموده اند. در واقع، سیاست عربستان سعودی در قبال ایران از سال 2015 میلادی تحولات ریشه ای به خود دیده است. این تغییرات اساساً در واکنش به افزایش جاه طلبی های روز افزون ایران برای سلطه بر منطقه و تلاش بی وقفه این کشور برای تضعیف نقش و جایگاه پادشاهی عربستان سعودی صورت گرفت؛ آنهم در زمانی که منطقه شاهد یک وضعیت نابسامانی بود که شرایط به نفع ایران رقم می خورد. علاوه بر آن، تحولات مهم داخلی عربستان در پرتو چشم انداز 2030 نیز در جریان بوده است.

این تغییرات در دو رویکرد مهم ریاض که هر کدام مکمل دیگری هستند نمود یافت. **رویکرد اول:** مقابله با تهدیدات ایران است و این رویکرد در سال 2015 میلادی و همزمان با عملیات ائتلاف حامی دولت قانونی یمن به رهبری پادشاهی سعودی با هدف مقابله با نفوذ ایران در یمن، آغاز شد. **رویکرد دوم:** دیپلماسی است که در آوریل 2021 میلادی با گفتگوها به میزبانی عراق آغاز شد و در مارس 2023 میلادی با احیای روابط دیپلماتیک و با میانجیگری چین به نتیجه رسید. این دو رویکرد در این بازه زمانی آشکارا خود را نشان داد و روند مناسبات میان دو کشور را تحت تأثیر قرار داد و از فضای قطع روابط و تنش همه جانبه در سال 2016 میلادی به فضای احیای روابط دیپلماتیک، بررسی راههای همکاری و گسترش روابط دوجانبه، کاهش تنشها و حل و فصل بحرانهای منطقه ای تبدیل شد. در اینجا می توان گفت که ترکیبی از سیاستهای قدرت و گفتگو که عربستان سعودی در قبال ایران در پیش گرفت، نقش تعیین کننده ای در دستیابی به تفاهمها میان دو کشور و تحولات کنونی در مسائل اختلافی گوناگون داشت.

با اینکه تأثیر این سیاست به وضوح خود را نشان داد، اما با توجه به پیشینه روابط ناپایدار، دیوار بلند بی اعتمادی میان طرفین، ماهیت سیاست خارجی ایران و اصول بنیادین آن و همچنین منافع منطقه ای متضاد از چندین دهه و شبکه روابط طرفین با قدرتهای بین المللی تحقیقات درباره تأثیرات این سیاست عربستان سعودی در قبال ایران همچنان ادامه دارد. از این رو، در اینجا سؤالات چندی مطرح می شود از جمله: عربستان سعودی در واکنش به افزایش تهدیدهای ایران چه تغییراتی در رویکرد خارجی خود ایجاد کرده است؟ میزان تداوم و تغییر در سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال ایران چقدر است؟ و چگونه ویژگیهای سیاست خارجی عربستان سعودی در این زمینه تغییر کرد؟ این سیاست چه دستاوردهایی برای عربستان سعودی و چه پیامدهایی برای ایران و مسائل اختلافی در منطقه به همراه

داشت؟ و تا چه میزانی می تواند موازنه قدرت در منطقه و نفوذ قدرتهای بین المللی در منطقه را تحت تأثیر قرار دهد؟

از آنجا که نظریه واقع گرایی نوکلاسیک برای بررسی ماهیت تحولات سیاست خارجی عربستان سعودی و تحلیل رفتار این کشور در سطح خارجی در دهه اخیر یک چارچوب مناسب است، این پژوهش تلاش دارد از منظر واقع گرایی نوکلاسیک به این پرسشها پاسخ دهد. مقوله محوری این پژوهش درباره تأثیر عوامل داخلی در دو سطح کشور و عوامل بین المللی در تعیین رفتار پادشاهی عربستان سعودی در سطح بین الملل و مشخصا در قبال ایران است. این پژوهش بر روش استقرایی تکیه دارد که در آن ابتدا داده ها و روابط به هم پیوسته به طور دقیق جمع آوری می گردد تا بوسیله مجموعه ای از روابط کلی میان آنها ارتباط برقرار گردد. این روش به مانند سایر شیوه های علمی ابتدا سؤال و یا مبحث اصلی را مشخص می کند و سپس جزئیات آن را دنبال کرده و به شناسایی علل می پردازد. آنگاه از امور جزئی به امور کلی می رسد. و به تعبیر دیگر، از مفهوم خاص به مفهوم عام می رسد.

## نخست: عربستان سعودی و ایران: خاستگاهها و چارچوب کلی روابط

بعد از پیروزی انقلاب ایران در سال 1979 میلادی الگوی روابط میان کشورهای خاورمیانه کاملا دگرگون شد. و روابط عربستان سعودی و ایران بیش از همه تحت تأثیر این تغییر قرار گرفت که در اینجا به سه عامل اصلی در این زمینه اشاره می کنیم:

### یک. هویت مورد اختلاف

بعد انقلابی و عقیدتی نظام ایران، اصلی ترین عامل در تعیین الگو و ماهیت روابط این کشور بود. ایران بر اساس نظریه ام القرای جهان اسلام خواست که در مقابل مکه مکرمه که قبله مسلمانان است، شهر مذهبی قم را مرکز طرح جهانی و فرامرزی خود قرار دهد. همچنین، انقلاب ایران به جای رهبری امت اسلام، الگوی ولایت فقیه را معرفی کرد. این درحالیست که پادشاهی عربستان سعودی که حرمین شریفین را در خود جای داده و خاستگاه رسالت است، در میان تمامی مسلمانان جهان از جایگاه معنوی و مقدسی برخوردار است و مرکز اهل سنت به شمار می رود و این شرایط و واقعیتی است که تاریخ برای پادشاهی سعودی رقم زده است. اما با این همه، پادشاهی سعودی هیچگاه در مقابل بلندپروازیهای دینی ایران هموردی نکرده است. بلکه با توجه به جایگاهی که در میان مسلمانان دارد، بدون سیاسی کاری و یا استفاده ابزاری از جایگاه خود، نقش خود را در گستره ای فراتر از خاورمیانه یعنی در جهان اسلام و جهان عرب، ایفا نموده است. با این بلندپروازیهای ایران که تلاش دارد بعد از اینکه عربستان

را از جایگاه تاریخی اش کنار بزند، سلطه دینی خود را بر تمام جهان اسلام بگستراند، و این تناقض به روابط میان دو کشور صبغه رقابت در چارچوب مذهبی و دینی داده است.<sup>1</sup>

البته بعد قومی و فرهنگی نیز در چارچوب رقابت میان دو کشور حضور پررنگ دارد. ایران در برنامه های بلندپروازانه خود برای سلطه بر منطقه، پیشینه قومی و زبانی خود را به خدمت می گیرد. مضاف بر اینکه، ایران در برخی مناطق که با ساکنان آنجا اشتراکات زبانی و قومی دارد، برای خود مناطق نفوذ ایجاد کرده است. و تلاش می کند در برخی مناطق مورد رقابت، زبان فارسی را در راستای رقابت هویتی با پادشاهی عربستان سعودی گسترش دهد. این در حالیست که قومیت عربی و فرهنگ عربی عامل مهم تأثیر و نفوذ عربستان سعودی است که ریشه در فرهنگ و آداب و رسوم عربی دارد که بخش زیادی از تاریخ پادشاهی عربستان سعودی را تحت تأثیر خود قرار داده است. و این عنصر مهمی است که سبب می شود عربستان بر حوزه ای کوچکتر از حوزه اسلامی نیز سلطه داشته باشد و بر اساس آن ارتباط با کشورهای مختلف عربی در خاورمیانه و آفریقا ممکن می گردد. مسأله دیگری که در چارچوب همین هویت رقابتی وارد می شود، صعود هویت مدرن عربستان است که آن را در چارچوب چشم انداز 2030 برای تحقق یک تحول اجتماعی و فرهنگی بی نظیر دنبال می کند. این هویت جدید عربستان است که در مقابل هویت سنتی و محافظه کار ایرانی قرار دارد. اکنون بحث در مورد تأثیر این دو رویکرد متضاد به طور گسترده ای مطرح است که رنسانسی که عربستان سعودی شاهد آن است از رویکرد نوگرای حاکمان این کشور ناشی می شود و بحرانی که ایران در سطح نخبگان و در سطح افکار عمومی داخل و خارج با آن دست به گریبان است، در رویکرد سنتی و محافظه کارانه سران این کشور ریشه دارد. این رقابت همه جانبه با ابعاد مختلفی که دارد، ماهیت رابطه عربستان سعودی با ایران را به عنوان دو قدرت رقیب در سطح منطقه و جهان اسلام، رقم می زند.<sup>2</sup>

## دو جایگاه منطقه ای و تلافی منافع

دو کشور ایران و عربستان سعودی در یک فضای جغرافیایی واقع شده اند و به حوزه های حیاتی پیچیده ای مربوط می شوند. از این رو، این دو کشور منافع و طرحهای مشترکی در آن حوزه ها دارند. پروژه فرامرزی ایران با هدف کسب قدرت تأثیرگذاری و نفوذ در چارچوب پروژه های انقلاب دنبال می شود. ایران از قدیم الایام رؤیای احیای امپراطوری باستان را در سر می پروراند و فضای حیاتی آن نیز همان خاورمیانه و مشخصاً جزیره العرب و مشرق عربی است که پادشاهی عربستان سعودی از دیرباز نفوذ سنتی گسترده ای در آنجا داشته است. ایران همواره تلاش نموده است تا با صدور انقلاب، به این طرح فرامرزی خود جامه عمل بپوشاند.

(1) Turki Al Faisal bin Abdul Aziz Al Saud, Saudi Arabia's Foreign Policy, Middle East Policy, (Vol. XX, No. 4, Winter 2013), accessed: 19 June 2023, <https://bit.ly/3CCZdho>

(2) محمد بن صقر السلمي، تنافس النماذج في منطقة الشرق الأوسط، المعهد الدولي للدراسات الإيرانية، (31 جولای 2023)، تاریخ بازدید: 13 آگوست 2023، <https://bit.ly/30VeBN5>

در همین راستا، سپاه قدس تشکیل شد و مأموریت یافت تا رابطه ایران را با کانونهای شیعی در کشورهای منطقه و از جمله، در کشور پادشاهی عربستان سعودی برقرار نماید و آنان را از لحاظ ایدئولوژیک، عقیدتی، نظامی و نهایتاً سیاسی با ایران مرتبط سازد تا در نتیجه، ایران به عنوان هسته مرکزی حکومت اسلامی باشد و در خارج از ایران حکومت‌های مشابه شکل بگیرد. همین امر سبب شده است تا دو کشور ایران و عربستان در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی، تضاد منافع پیدا کنند و علاوه بر رقابت‌های پیچیده، مشکلات امنیتی را نیز پدید آورده است که از یمن در جنوب عربستان تا لبنان در شمال و از بحرین در شرق تا مغرب عربی در غرب، را درگیر خود نموده و حتی تا بسیاری از کشورهای دیگر جهان اسلام نیز امتداد یافته است.<sup>1</sup>

### سه. جایگاه دو کشور در ساختار نظام بین الملل:

ایران بعد از سال 1979 رویکرد جهانی خود را بر اساس ایدئولوژی تعیین کرد. و در مقابل سلطه آمریکا رویکرد مخالفی اتخاذ کرد یعنی یک رویکرد ضد امریکایی اتخاذ کرد و به عنوان یک قدرت، اصولی را که ایالات متحده بعد از جنگ دوم جهانی در منطقه و جهان تعریف کرده بود به چالش کشید. این امر، تقویت حضور نظامی آمریکا در منطقه را به دنبال داشت. و کشورهای خلیج به رهبری عربستان سعودی به عنوان شریک راهبردی و تاریخی ایالات متحده، وارد شراکت و همکاری با آمریکا شد. این مسأله در نهایت، به رقابت میان عربستان سعودی و ایران دامن زد.

عواملی که بر شمردیم در طول چهاردهه روابط عربستان سعودی و ایران را تحت تأثیر قرار داد که در اینجا به پیامدهای آن اشاره ای خواهیم داشت:

**الف.** ایران به عنوان منبعی برای تهدید: از همان روزهای اول انقلاب، رویکرد عقیدتی نظام سبب شد که ایران برای دخالت در امور داخلی عربستان سعودی چشم طمع داشته باشد. تا قبل از انقلاب، اقلیت شیعه عربستان بازچه سیاسی هیچ کشوری قرار نگرفته بودند اما بعد از انقلاب، ایران تلاش کرد با استفاده از اقلیت شیعه، امنیت و ثبات پادشاهی عربستان را هدف قرار دهد. و این مسأله در دهه اول انقلاب در چندین مورد خود را نشان داد. به عنوان نمونه می توان به تحریک احساسات اقلیت شیعه عربستان و شوراندن آنها علیه دستگاه حاکم و نیز ایجاد بحران در زمان برگزاری مراسم حج اشاره کرد تا سرپرستی این آئین دینی که نزد تمام مسلمانان اهمیت بالایی دارد، را از عربستان سلب کند. همچنین ایران تبلیغات گسترده ای علیه پادشاهی عربستان سعودی و سیاستها و رهبران این کشور به راه انداخت و در این زمینه بر روابط ریاض با ایالات متحده تمرکز کرد. هدف این تبلیغات گسترده که طی چندین دهه ادامه داشت، این بود که در چارچوب رقابت بر سر زعامت معنوی و دینی مسلمانان، جایگاه پادشاهی سعودی را در جهان عرب و جهان اسلام تضعیف کند. دامنه تنش ها میان عربستان سعودی و ایران چنان گسترده شد که در سال 2016 میلادی بعد از آنکه عربستان سعودی یک

(1) خبرگزاری مهر، هانی زاده در گفتگو با مهر: توافقنامه ایران و عربستان به انزوی رژیم صهیونیستی منجر شده است، (13 اردیبهشت 1402 ه.ش)، تاریخ بازدید: 19 ژوئن 2023، <https://bit.ly/3LPiCRm>

روحانی شیعی معروف را اعدام کرد، تعدادی از معترضان خشمگین ایرانی به نمایندگی های دیپلماتیک عربستان در ایران یورش بردند. البته قطع رابطه به خاطر اعدام این روحانی شیعی که شهروند عربستانی بود و اقدام به تحریک مردم علیه حکومت کرده بود، صورت نگرفت بلکه این واقعه نشان دهنده این بود که تنش میان طرفین به بالاترین حد خود رسیده بود.<sup>1</sup>

ایران با صدور انقلاب، نه تنها شیعیان عربستان بلکه شیعیان تمامی کشورهای خلیج را هدف گرفته بود و بارزترین مثال در این زمینه بحرین است. در سال 1981 میلادی تعدادی از شیعیان طرفدار ایران، با هدف کودتا در بحرین دست به اقداماتی زدند. در اواسط دهه نود نیز شیعیان بحرین در کیریهای را در این کشور به راه انداختند. در سال 2004 میلادی بحرین ناآرامیهای را شاهد بود و در سال 2011 میلادی ایران علناً اعتراضات علیه نظام بحرین حمایت کرد تا اینکه برای بازگرداندن ثبات به بحرین، نیروهای سپر الجزیره به رهبری عربستان سعودی ناگزیر وارد عمل شد.<sup>2</sup>

ب. ایران به عنوان رقیب منطقه ای با نگاه توسعه طلبانه و منفعت گرا: منطقه خلیج و جزیره العرب، از لحاظ جغرافیایی و تاریخی حوزه نفوذ طبیعی پادشاهی عربستان سعودی به شمار می رود. اما تهران نیز بر اساس جاه طلبی های دیرینه قومی خود و نیز بر اساس بلندپروازیهای ایدئولوژیک خود که بعد از انقلاب رونق گرفته است، تلاش دارد سلطه خود را در منطقه بسط دهد که صدور انقلاب به خارج از مرزها گویای همین امر است. از این رو، میان عربستان سعودی و ایران بر سر نفوذ در منطقه رقابت وجود دارد. و این رقابت بر روابط میان دو کشور سایه افکنده است. و همین رقابت سبب شد که در دهه هشتاد، میان ایران و عراق جنگ درگیرد. از نگاه ایران، این جنگ تلاش مشترک غرب و کشورهای خلیج برای نابودی نظام نوپای اسلامی و نابود کردن انقلاب و نظام برآمده از آن بود. این جنگ سبب شد که احساسات ضد سعودی در ایران تقویت شود.<sup>3</sup> اما با به قدرت رسیدن رفسنجانی در اوت سال 1989 میلادی تنشها با عربستان کاهش یافت؛ چرا که او از سیاست صدور انقلاب کوتاه آمد و در برابر عربستان سعودی سیاست آشتی جویانه ای در پیش گرفت. علاوه بر آن، او پیشنهاد داد میان ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج یک بازار مشترک منطقه ای برای همکاری اقتصادی و فنی ایجاد شود که این امر می توانست یک ساختار امنیتی گسترده ای را به همراه داشته باشد.<sup>4</sup> اما از آنجا که رهبر ایران و سپاه پاسداران همچنان به رویکرد ایدئولوژیک چنگ

(1) Al-Marzouq, Abdullah S. F., An Exploration of the Security Dilemma in the Middle East: The Impact of the Transformative Power of Iran's Foreign Policy, (Newcastle: Phd thesis, Keele University, School of Politics, International Relations and Philosophy, October 2016).

(2) Eman Ragab, Iran's role dilemma in the Arab region after the Arab revolutions, Annual Strategic Book, (2012), accessed 19 June 2023, <https://bit.ly/46ecsmf>

(3) Afshon Ostovar, Rebecca Edelman, Michael Connel, On Shifting Sands: Iranian Strategy in a Changing Middle East, Center for Naval Analyses, (October 2013) accessed 19 June 2023, p13, <https://bit.ly/4436wdO>

(4) Eva Patricia Rakel, the Iranian political elite, state and society relations, and foreign relations since the Islamic Revolution, (Amsterdam: Faculteit Maatschappij en Gedrag, University of Amsterdam, 2008), Pp P160.

زده بودند و کشورهای شورای همکاری خلیج از جاه طلبی های احتمالی ایران بیم داشتند که مبادا این کشور به یک بازیگر مسلط منطقه ای بدل شود و از سویی دیگر، ایالات متحده نیز با پیوستن ایران در این ترکیب امنیتی مخالفت کرد، طرح پیوستن ایران در ساختار امنیتی منطقه ای ناکام ماند. و اولویت های گوناگون کشورهای خلیج و اختلاف آنها در مورد تهدید مشترک، مخصوصا بعد از حمله عراق به کویت در سال 1990 مانع از دستیابی به یک توافق امنیتی مشترک شد.<sup>1</sup>

خاتمی بیش از سایرین در صدد بود تا به اختلافات با عربستان سعودی پایان دهد. او تلاش های زیادی برای بهبود روابط با ریاض، پایان دادن به دخالت در امور داخلی عربستان و پایان دادن به فعالیت های مخفیانه علیه این کشور انجام داد. او اولین رئیس جمهور ایران بعد انقلاب بود که در سال 1999 میلادی به عربستان سفر کرد. اما از آنجا که رویکردهای ایران در قبال پادشاهی عربستان سعودی از رویکردهای ایدئولوژیک سرچشمه می گرفت، دستاوردهای سفر وی، بازتاب و تأثیرگذاری چندانی نداشت؛ چرا که رهبر و نهاد تندرو کشور مانند سپاه پاسداران به رویکرد مثبت در قبال عربستان روی خوش نشان نمی دادند. در دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی، برنامه هسته ای ایران بر ملا شد. این امر خشم ایالات متحده و نیز نگرانی های عربستان سعودی را برانگیخت و در نتیجه، ایالات متحده با عربستان سعودی به توافق رسید که این کشور از تحریمها و فشارهای غربی علیه ایران حمایت کند.

با به قدرت رسیدن احمدی نژاد، گفتمان انقلابی جانی دوباره گرفت. او نه تنها تنش زدایی در روابط با عربستان سعودی را در اولویت خود قرار نداد بلکه در این دوران بود که ایران فعالیت های منطقه ای خود را شدت بخشید که نقش برجسته ایران در عراق بعد از حمله امریکا در سال 2003 میلادی بهترین گواه این مدعا است. ایران با حمایت از جریان های شیعی که قدرت را در اختیار گرفته بودند، توانست نفوذ خود را در این کشور تقویت نماید. همچنین ایران توانست روابط خود را با محور سوریه - حزب الله تقویت کند که ثمره آن، در نتیجه جنگی که اسرائیل در سال 2006 میلادی علیه لبنان به راه انداخت به روشنی خود را نشان داد. همچنین ایران موفق شد روابط خود را با گروه های فلسطینی نیز تقویت کند که ثمره آن در جنگی که اسرائیل در سال 2008 میلادی بر غزه تحمیل کرد، خود را نشان داد. و این اطراف یک محوری به رهبری ایران تشکیل دادند که از آن به نام محور مقاومت یاد می شود. این محور در مقابل محور اعتدال قرار دارد که کشورهای چون مصر، عربستان سعودی و اردن را در خود دارد. این وضعیت نشان دهنده گسترده گی دامنه رویارویی منطقه ای میان عربستان سعودی و ایران و نیز تضاد منافع این دو کشور در منطقه است.

با آغاز حوادثی که به بهار عربی موسوم شد، دامنه اختلافات به طوری سابقه ای گسترده شد و رقابت میان ایران و عربستان سعودی جای خود را به رویارویی داد. این دو کشور در قبال تحولات

(1) Ibid.



مصر و تونس مواضع متضادی داشتند. ایران این خیزش ملت‌های عرب را امتداد انقلاب ایران می‌دانست و به حمایت از جریان‌های اسلامی همسو می‌پرداخت. اما عربستان سعودی برای این باور بود که این ناآرامیها نظم و ثبات حاکم بر منطقه را برهم می‌زند و منطقه را به سوی ناامنی سوق می‌دهد. اما وقتی سوریه نیز به موج خیزش‌های عربی پیوست، رهیافت ایران نیز تغییر کرد. از نگاه ایران، انقلاب سوریه چیزی نبود جز توطئه امریکا که محور مقاومت را نشانه گرفته بود. از این رو، ایران از شریک خود یعنی حزب الله خواست تا برای نجات نظام سوریه وارد عمل شود. و برای خاموش کردن انقلاب سوریه، مستشاران نظامی به این کشور فرستاد. و با گسیل داشتن نیروهای شبه نظامی خود به میدان جنگ این کشور را در یک جنگ داخلی گرفتار کرد. این درحالیست که پادشاهی عربستان سعودی به درخواست ملت سوریه و برای رسیدن به یک راه حل عادلانه، از نیروهای مخالف سوریه حمایت کرد. این رویارویی میان ایران و عربستان بعد از سال 2011 به کشورهای دیگری چون لبنان، بحرین و یمن نیز کشیده شد.

ج. ورود ایران به ائتلاف‌های بین‌المللی ضد امریکایی: جنگ سرد سبب شد که ایالات متحده به عربستان سعودی و ایران به اتحادیه شوروی سابق و بعدها به روسیه نزدیک شود. حضور این دو کشور در دو محور بین‌المللی رقیب، به رقابت میان این دو کشور نیز دامن زد. و قدرتهای بین‌المللی نیز این رقابت / رویارویی را در خدمت منافع و تقویت نفوذ منطقه‌ای خود به کار گرفتند. این امر منجر به تشکیل ائتلاف‌های فرامرزی در منطقه و ارتباط آنها با شبکه گسترده تر همپیمانان خود در سطح بین‌الملل شد. آثار این ائتلافها در حوزه‌ها، بحرانها و مسائل چندی از جمله در لبنان، عراق، سوریه، یمن و خلیج عربی خود را نشان داد بلکه این ائتلافها به حوزه‌های بین‌المللی گسترده تری در آفریقا و آمریکای لاتین و همچنین در آسیای میانه و جنوب شرق آسیا امتداد یافت. و در این میان، ایران خود را به عنوان رهبر محور مقاومت در سطح منطقه مطرح کرد. سخن به همینجا ختم نمی‌شود بلکه ایران در چارچوب ایجاد توازن با ائتلاف‌های ضد امریکایی، روابط خود را با قدرتهایی مانند چین و روسیه تقویت کرد. و این ائتلاف چنان پویا شده است که اکنون از قدرتهای بین‌المللی که خواهان تغییر نظام بین‌المللی هستند، نمایندگی می‌کند.

## دوم: سیاستهای تدافعی و قدرت بازاندگی در مقابل طمع ورزی

پادشاهی عربستان سعودی بر آن شد تا با ایران مقابله کند و در مقابل تجاوزکاری‌های آن مداخلات به خرج ندهد. در اینجا به انگیزه‌های این رویکرد و نیز پیامدهای آن بر سیاست خارجی عربستان سعودی و بر ایران نیز می‌پردازیم:

یک. انگیزه‌های مقابله بعد از رخداد‌های بهار عربی

بعد از انقلاب‌های بهار عربی، تصمیم‌ساز سعودی خود را در مقابل چندین عامل عمده تهدید یافت که از مهمترین آنها ضعف سیستم امنیت منطقه‌ای بود که از ضعف کلی کشورهای عربی

ناشی می شد. این وضعیت از همان ابتدای اشغال عراق توسط امریکا در سال 2003 میلادی بروز کرد که به نوبه خود منشأ تهدیدها و خطرات تازه ای شد که خروج برخی کشورهای عربی از مجموعه اقدام عربی از مهمترین این تهدیدات بود. به عنوان مثال، عراق بعد از اشغال، سوریه بعد از ائتلاف راهبردی با ایران در حمله اسرائیل در سال 2006 میلادی به لبنان و لبنان بعد از سیطره حزب الله بر قدرت در سال 2008 میلادی از مجموعه اقدام عربی خارج شدند. علاوه بر آن، ضعف سازوکارهای همکاری دسته جمعی مانند اتحادیه کشورهای عرب که در مدیریت بحرانهای منطقه در دو دهه اخیر توفیقی نداشته است، از دیگر تهدیدات بوده است.

وانگهی، وجود اختلافات زیاد در داخل ائتلافهای منطقه ای بر کارایی اقدام و همکاری دسته جمعی و کم رنگ شدن نقش برخی از قدرتهای مطرح منطقه ای تأثیر گذار بوده است. گفتمنی است شورای همکاری خلیج به رهبری عربستان سعودی، جامعه کشورهای عرب و محور ریاض دمشق و قاهره که با سقوط سوریه در دام ایران از هم فروپاشید، از نمونه های ائتلافهای منطقه ای هستند. علاوه بر آن، افزایش نقش بازیگران غیر دولتی و استفاده ابزاری ایران از آنها برای برهم زدن امنیت و ثبات منطقه و بروز تروریسم به عنوان عامل تهدید کننده ثبات و امنیت و اهرم فشار از سوی قدرتهای بین المللی بر کشورهای خلیج و مشخصا عربستان سعودی از دیگر عوامل تهدید است.

پس از حوادث بهار عربی، برخی کشورها عملا ناکارآمد و دچار هرج و مرج شدند و به منبع تهدید واقعی و دائمی امنیت و ثبات منطقه ای بدل شدند. این امر بهانه دخالتهای خارجی را فراهم ساخت و منطقه به میدان تصفیه حسابها و میدان رقابت بر سر منافع و نفوذ میان قدرتهای مطرح بین المللی و منطقه ای بدل شد. و نفوذ و امنیت پادشاهی عربستان سعودی مخصوصا از لحاظ جایگاه و امنیت مرزی و حاکمیت منطقه ای، در معرض تهدیدها و چالشهای جدی قرار گرفت.

سخن به همینجا خلاصه نمی شود بلکه هیچکدام از ائتلافهای بین المللی عربستان سعودی به قوت خود باقی نماند. و از آنجا که از دوره اوپاما نقش چتر امنیتی آمریکا در منطقه کاهش یافت، رابطه عربستان سعودی و ایالات متحده نیز به شکل قابل ملاحظه ای کم رنگ تر شد. و حتی بیشتر اقدامات آمریکا در منطقه به نفع ایران تمام شد. آمریکا با عقب نشینی از عراق، آن را همچون لقمه چربی در اختیار ایران قرارداد تا نفوذ خود را در آنجا گسترش دهد. در واقع، ایران از عراق به عنوان سکویی برای گسترش نفوذ خود در حوزه جغرافیایی عربستان سعودی استفاده کرد. همچنین، اداره اوپاما هیچ سیاست روشنی در قبال بحرانهای وخیم منطقه چه در سوریه و چه در یمن، اتخاذ نکرد بلکه در یک رویکرد عجیبی کشورهای خلیج را به گفتگو و تفاهم با ایران فراخواند. و این امر نشان می دهد که آمریکا از اقدامات منطقه ای ایران که به امنیت و ثبات همپیمانان سنتی ایالات متحده در منطقه آسیب زیادی رسانده است، رضایت داشته است. علاوه بر آن، روسیه نیز در بحرانهای منطقه و مخصوصا در بحران سوریه نقش محوری ایفا کرد. این نقش روسیه اساسا توازنات منطقه ای را برهم زد و به ایران کمک کرد تا حضور و

نفوذ خود را با استفاده از ائتلاف راهبردی تقویت نماید. حتی زمانی که حوثیها که همپیمان ایران هستند، به چاهای نفت عربستان سعودی حمله کردند، ایالات متحده نه تنها در حمایت از عربستان سعودی دست به اقدامی نزد، بلکه سکوهای پرتاب موشک خود را از خاک عربستان خارج کرد.<sup>1</sup>

پس می توان گفت که فضایی که در آن پادشاهی عربستان سعودی به برتری رسیده بود، فرو ریخت. و حالتی از سراسیمگی و سردرگمی پدید آمد. و این واقعیت مسجل شد که راهبرد قدیمی برای مقابله با تهدیدهایی که عربستان سعودی را احاطه کرده است دیگر کارساز نیست؛ مخصوصاً تهدیداتی که از سوی ایران و شبه نظامیان مورد حمایت آن در منطقه نفوذ پادشاهی عربستان سعودی و جایگاه منطقه ای آن را هدف قرار داده است. مخصوصاً که ایران دستاوردهای مادی و راهبردی برجام 2015 را در خدمت تقویت پروژه منطقه ای خود به کار گرفت و برنامه موشکهای بالستیک خود را تقویت کرد و موافقت جامعه بین الملل را در مورد توسعه برنامه مسالمت آمیز هسته ای و نیز رفع تدریجی تحریمهای بین المللی تسلیحاتی و همچنین حق غنی سازی اورانیوم در آینده را نیز کسب کرده بود.<sup>2</sup>

با وجود چنین تهدیداتی، عربستان سعودی باید اهداف چندی را محقق می ساخت. حال که ایران به مرزهای جنوبی کشور نزدیک شده بود و ثبات کشورهای خلیج را تهدید می کرد به عنوان نمونه ایران تلاش کرد به کمک معترضان بحرین علیه نظام حاکم کودتا به راه اندازد، حمایت از امنیت ملی و ثبات داخلی در میان این هدفها اولویت داشت. دومین هدف این بود که در سایه ضعف ساختارهای امنیتی سنتی و کاهش چتر حمایتی امریکا، عربستان سعودی از جایگاه منطقه ای خود پاسداری کند. و سومین هدف، مقابله با افزایش نفوذ ایران در جهان عرب و جهان اسلام و مناطق نفوذ مشترک بود. و در نهایت، با تلاشهای ایران که سعی داشت طرحهای خود را از طریق توسعه برنامه های هسته ای و دفاعی بر منطقه تحمیل کند، مقابله نماید.

## دو. ابعاد و مناطق رویارویی

عربستان سعودی در یک مرحله حساس و سرنوشت ساز از تاریخ خود، سیاست قاطعی برای مقابله با افزایش نفوذ ایران اتخاذ کرد. مهمترین عاملی که در پیدایش چنین تغییری نقش داشت، تاجگذاری ملک سلمان بن عبد العزیز به عنوان هفتمین پادشاه کشور عربستان سعودی بود که در 23 ژانویه 2015 میلادی صورت گرفت. از اولین اقدامات وی، این بود که فرزند ارشد خود یعنی امیر محمد بن سلمان را به سمت وزیر دفاع منصوب کرد. هرچند که

(1) Ibrahim Atta, From Confrontational to Subtle Diplomacy: The Reorientation of Saudi Foreign Policy, Gulf International Forum, (May 10, 2023), accessed June 19, 2023, <https://bit.ly/3peM6j6>

(2) GÜLİRİZ ŞEN, After the Nuclear Deal: Opportunities and Challenges of Iran's Reintegration, Journal of Iranian Studies, (Ahmet YEŞİL, 2017), Pp 97-98, accessed: 14 Apr 2022, available: <https://bit.ly/3KPQ6MR>

قبل از این تاریخ و مخصوصاً بعد از عملیات نیروهای سپرالجزیره در بحرین عربستان سعودی سیاست مقابله با ایران را در برنامه های خود داشت، اما این بار رویارویی با ایران به عنوان یک راهبرد و سازمان یافته تر شد. و از آن وقت به عنوان یک الگوی خارجی بی بدیل برای مقابله با ایران به کار گرفته شد. پادشاهی عربستان سعودی برای مقابله با توسعه طلبی و نفوذ ایران در مناطق مورد اهتمام مشترک، از تمام ابزارهای قدرت سخت و نرم خود استفاده کرد. و با این کار، پیام واضحی به خارج و ایران فرستاد مبنی بر اینکه عربستان اجازه نخواهد داد که در مناطقی که از اولویتهای اول این کشور محسوب می شوند، ایران با دخالت خود هرج و مرج و بی ثباتی را در آنجا حکمفرما سازد<sup>1</sup>.

به عنوان مثال، پادشاهی عربستان سعودی در داخل اتحادیه عرب و همچنین در نهادهای بین المللی تلاشهای زیادی برای سوریه به خرج داد. و برای مقابله با نفوذ فزاینده ایران در خاک سوریه، کمکهای زیادی به نیروهای اپوزیسیون سوری ارائه کرد و نزدیک بود که شکست سنگینی به ایران وارد کند ولی از آنجا که چنین وضعیتی به نفع اسرائیل و به نفع ایالات متحده نبود، امریکا از حمایت خود دریغ کرد. اما تلاشهای عربستان سعودی جلوی پیروزی کامل ایران در خاک سوریه را گرفت و با پدید آمدن یک موازنه، درگیرها نیز متوقف شد و بخشی از خاک سوریه در اختیار نیروهای نظام و مناطقی دیگر در اختیار نیروهای اپوزیسیون قرار گرفت.

اما در لبنان، با در نظر داشت این واقعیت که حزب الله بازوی نظامی ایران برای دنبال کردن طرحهای توسعه طلبانه در خاورمیانه است و ایران از این گروه به عنوان اهرم فشاری بر دشمنان خود استفاده می کند، در حالیکه ایران با ارائه انواع حمایتهای مالی و نظامی تلاش کرد حزب الله را بر لبنان مسلط سازد، عربستان سعودی از حمایت دولت لبنان که حزب الله در آن مشارکت داشته باشد، صرف نظر کرد. و همین امر لبنان را به سوی فروپاشی اقتصادی سوق داد. و روند سیاسی ناکام ماند و طرفهای داخلی لبنان وارد یک درگیری بی نتیجه شدند که لبنان را به سوی ناکارآمدی کشاند. در نتیجه، لبنان همچون باری بردوش ایران و حزب الله سنگینی می کند؛ مخصوصاً بعد از اعتراضات مردمی که ایران و حزب الله را مسئول اوضاع فعلی لبنان دانستند<sup>2</sup>.

اما در یمن، عربستان سعودی که خطر فزاینده احتمال به قدرت رسیدن حوثی ها در یک کشور همجوار خود و نیز خطر نزدیک شدن ایران به جنوب جزیره العرب را احساس کرده بود، با رهبری ائتلاف بزرگی عملیات نظامی "توفان قاطع" را در یمن انجام داد. این عملیات، شدیدترین رویارویی نسبتاً مستقیم با ایران بود که حوثی ها را از لحاظ مالی، تسلیحاتی، مستشاری

(1) Paloma González del Miño, David Hernández Martínez, The Salman Doctrine in Saudi Arabia's Foreign Policy: Objectives and the Use of Military Forces, Brazilian Journal of Strategy & International Relations, (v. 8, n.16, Jul./Dec. 2019), accessed June 2023, <file:///C:/Users/m.hamdy/Downloads/cepik,+4+-+SALMAN.pdf>

(2) مثنی العبیدی، ایران والأزمة في لبنان، مجلة الدراسات الإيرانية، (الرياض، المعهد الدولي للدراسات الإيرانية، شمارگان 12، اکتبر 2022)، ص 55-56.

و جنگجویان مورد حمایت قرار می دهد. پادشاهی عربستان سعودی در سال 2015 میلادی و برای جلوگیری از سیطره حوثی ها بر یمن، ده ها هزار نیروی جنگی و 100 جنگنده به یمن ارسال کرد. عملیات توفان قاطع که به رهبری عربستان سعودی در یمن انجام شد، دکترین تازه عربستان سعودی در سیاست خارجی اش را به نمایش گذاشت<sup>1</sup>. در حالیکه ایران از سال 2003 میلادی همواره سعی نموده تا با استفاده از جریانهای شیعی همپیمان، نفوذ خود را در عراق گسترش دهد، عربستان سعودی در چارچوب رویکردهای تازه با هدف افزایش حضور خود در عراق، طرحهای جدیدی را به سیاستهای قبلی اش افزود و در این راستا روابط خود را با جریانها و قدرتهای گوناگون از جمله جریانهای شیعی که ارتباط کمتری با ایران دارند، مجدداً برقرار کرد. و تلاش کرد ضمن اجرای طرحهای سرمایه گذاری و همکاری اقتصادی، عراق را به فضای عربی و قومی اش بازگرداند. این تدابیر عربستان سعودی، نفوذ روزافزون ایران و همپیمانان آن در عراق را با مشکلات و محدودیتهایی روبرو ساخت.

واقعیت این است که راهبرد مقابله با ایران، تنها به مناطق مورد اهتمام مشترک خلاصه نشد بلکه به مناطقی دورتر از جمله کشورهای عربی غیر آسیایی نیز امتداد یافت. به عنوان نمونه، اکثر کشورهای مغرب عربی بعد از سال 2015 میلادی به موضع عربستان سعودی در قبال ایران پایبندی نشان دادند. همچنین این راهبرد مقابله با ایران، به برخی از کشورهای آفریقایی، منطقه دریای سرخ و شرق آفریقا و همچنین به کشورهای آسیای میانه و قفقاز نیز امتداد یافت. این سیاست عربستان سعودی در قبال ایران، سبب شد که ماهیت ایران که امنیت و ثبات کشورها را نشانه گرفته است، به خوبی روشن شود.

ناگفته نماند که عربستان سعودی در راستای افزایش فشارها بر ایران، رئیس جمهور ترامپ را مجاب کرد در سیاستهای ایالات متحده در قبال ایران تغییرات اساسی ایجاد کند. دونالد ترامپ در جریان اولین سفر خارجی خود در نشست مشترک سران کشورهای عربی و اسلامی و آمریکا در ریاض شرکت کرد. او در سخنرانی خود در حضور رهبران عرب، ایران را به خاطر "ایجاد ویرانی و هرج و مرج در منطقه" محکوم کرد. همچنین طرفین آمریکایی و سعودی یک قرارداد تسلیحاتی را به ارزش 400 میلیارد دلار به امضا رساندند که بزرگترین قرارداد در نوع خود به شمار می رود. و این حاکی از ائتلاف عمیق و حمایت اداره ترامپ از تلاشهای پادشاهی سعودی در مقابله با ایران است. و تأثیرات این ائتلاف، بعدها خود را در قالب خروج آمریکا از برجام و در پیش گرفتن راهبرد فشارهای حداکثری بر ایران نشان داد که نظام ایران را با چالشهای بسیار وسیعی روبرو ساخت و کاهش مشروعیت نظام در داخل و به راه افتادن اعتراضات پیاپی مردمی که به خاطر ناکارآمدی نظام و هدر دادن سرمایه های کشور در طرحهای خارجی بی ثمر خواهان تغییر نظام بودند، از مهمترین این چالشها بود. تحریمها سبب شد تا کمکهای ایران به گروههای شبه نظامی در منطقه به طور چشمگیری کاهش یابد. همچنین برای پاسداری از

(1) محمد حسن القاضي، الدور الإيراني في اليمن وانعكاساته على الأمن الإقليمي، (الرياض: مركز الخليج العربي للدراسات الإيرانية، 2017)، ص 66.

امنیت آبراهه‌ها و امنیت خلیج و تنگه هرمز در مقابل حملات ایران، یک ائتلاف دریایی بین المللی گسترده‌ای شکل گرفت. پادشاهی عربستان سعودی برای مقابله با پروژه ایران در جهان عرب و جهان اسلام از جمله مقابله با سیاست‌های فرقه گریانه و همچنین مقابله با تلاش‌های تهران برای تبلیغ و ترویج تشیع، از راهبرد تبلیغاتی و کارزار دیپلماسی نیز غفلت نکرده است. گفتنی است که ایران برای گسترش نفوذ خود در کشورهای اسلامی و میان مسلمانان سایر کشورهای جهان، از نفوذ مذهبی مدد می‌گیرد.

### سه. نتایج سیاستها: بازدارندگی و افزایش هزینه‌های رویارویی برای ایران

این سیاست عربستان سعودی ثمراتی نیز داشته است از جمله اینکه ایران دریافت که اینگونه خصومت با پادشاهی عربستان سعودی علاوه بر آنکه هزینه‌های زیادی برای کشور دارد، عملاً به آوازه ایران آسیب زده و فشارهای زیادی را بر کشور تحمیل کرده و آن را در مقابل ائتلاف کشورهای اسلامی و بلکه ائتلاف‌های بین المللی و منطقه‌ای قدرتمندی قرار داده است. و شاید از این حد هم فراتر رود و بقای نظام و مشروعیت آن را در داخل نیز به مخاطره اندازد. علاوه بر آن، در سایه سیاست مقابله عربستان سعودی، پروژه منطقه‌ای ایران نیز دچار رکود شد. به عنوان مثال، علی‌رغم تغییر ساختار قدرت در عراق که جریان‌های شیعی مورد حمایت ایران و نیز گروه‌های کرد جایگاهی در ساختار قدرت کسب کردند، اما در سایه تلاش‌های عربستان سعودی مبنی بر افشای طرح‌ها و سیاست‌های مداخله جویانه ایران، نفوذ گسترده این کشور در عراق رو به کاهش نهاد و قدرت نرم آن به شدت کم‌رنگ شد. و اعتراضات گسترده مردمی علیه بازوهای ایران در این کشور بهترین گواه این مدعاست و اوضاع ایران در سوریه، لبنان و یمن نیز به همین شکل است.

از این رو، ایران با ارسال پیام‌های نمادین تمایل خود را به گفتگوی مجدد ابراز کرد. به عنوان نمونه، در ماه می سال 2019 میلادی حسین موسویان سخنگوی وقت هیأت مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران از یک سو، و عبد العزیز صقر پژوهشگر و تحلیلگر سعودی از سوی دیگر، دو مقاله منتشر کردند. اولین مقاله با عنوان "وقت آن رسیده است که رهبران عربستان سعودی و ایران با یکدیگر گفتگو کنند" در تاریخ 14 می 2019 میلادی در روزنامه نیویورک تایمز منتشر شد. دومین مقاله نیز با عنوان "اگر امروز دست به کار شویم، می‌توانیم از رویارویی بی‌نتیجه میان ایران و پادشاهی عربستان سعودی نجات یابیم" در تاریخ 31 ژانویه 2021 میلادی در روزنامه گاردین به چاپ رسید<sup>1</sup>. همزمان با چاپ مقاله دوم، وزارت خارجه ایران از آمادگی کشورش برای گفتگو با پادشاهی عربستان سعودی خبر داد و قطر نیز برای میانجیگری در این گفتگو اعلام آمادگی کرد<sup>2</sup>. در این مدت ایران چندین سیگنال مبنی بر تنش زدایی ارسال

(1) عدنان هاشم، مشاورات السعودية وإيران.. البحث عن نظام أمني إقليمي متوازن، مركز أبعاد للدراسات والبحوث، (4 ژانویه 2023)، تاریخ بازدید: 19 ژوئن 2023، <https://bit.ly/3NBHDjV>

(2) بی بی سی عربی، هل تنجح إيران نحو حوار ومصالحة مع السعودية وجيرانها العرب؟ - صحف عربية، (3 فوریه 2021)، تاریخ بازدید: 19 می 2023، <https://bit.ly/42OY2Gz>

کرد که از جمله آنها می توان به "ابتکار صلح هرمز" اشاره کرد که در سپتامبر 2019 میلادی توسط رئیس جمهور روحانی مطرح شد. این ابتکار بر اصولی همچون: عدم دخالت در امور دیگران، عدم تجاوز، پایبندی به امنیت انرژی، و رعایت قوانین بین المللی استوار بود. گفتنی است که فشارهای داخلی بر دولت روحانی و همچنین فشارهای خارجی در چارچوب راهبرد فشارهای حداکثری روحانی را به طرح این ابتکار واداشت<sup>1</sup>.

## سوم: دیپلماسی و سیاست تنش زدایی در چارچوب چشم انداز خاورمیانه جدید که توسط پادشاهی عربستان سعودی ترسیم شده است

با در نظر داشت این نکته که سیاست خارجی عربستان سعودی پویاتر، پیشگامانه و عملگرا شده بود، به جای رویکرد تنش زایی همه جانبه که بعد از افزایش نقش ایران در پی رخدادهای بهار عربی و تا سال 2020 دنبال کرد، این بار در جستجوی فرصتهای گفتگو و دیپلماسی برآمد که در اینجا به بررسی این گزینه می پردازیم:

یک. فضای تازه، ترغیب به گفتگو و همکاری به جای تنش آفرینی

علل اصلی این تغییر رویکرد جدید را باید در چندین عامل داخلی و خارجی جستجو کرد. در سطح بین الملل، ریاض دریافت که نمی توان به حمایت امریکا و حضور این کشور در معادله منطقه ای دل بست و باید خود ابتکار عمل منطقه ای را به دست گیرد و ضمن ارزیابی روابط با واشنگتن، موضع خود درباره جنگ یمن که بعد از حملات 14 سپتامبر بر تأسیسات آرامکو، هزینه های زیادی بر پادشاهی عربستان سعودی تحمیل کرده است، و نیز موضع خود درباره برجام را مورد بازنگری قرار دهد؛ به ویژه که اکنون جمهوری خواهان بازنده انتخابات ریاست جمهوری امریکا شدند و دموکراتها با اداره بایدن قدرت را در اختیار گرفته اند و اکنون برخلاف گذشته میان عربستان سعودی و ایالات متحده در مورد ایران هماهنگی در سطوح بالا وجود ندارد. و در سایه بازگشت بایدن به گزینه دیپلماسی با ایران برای احیای برجام و نادیده گرفتن هشدارهای عربستان سعودی در مورد پیامدهای این سیاست جدید بر منطقه، کارزار فشارهای حداکثری امریکا بر ایران نیز دیگر تأثیر چندانی ندارد<sup>2</sup>.

اما در سطح منطقه، این واقعیت مسجل شد که سیاستهای قدرت در مقابله با جاه طلبی ها و برنامه های ایران نتیجه داد و سیاست مقابله، چالشهایی را در سطح داخلی و بین المللی فراروی نظام ایران قرار داد. و این ایده را تقویت نمود که دیگر ادامه رویارویی با ایران بی فایده است. و درگیری با ایران به یک نقطه توازی رسیده است که دیگر هیچ یک از طرفین نمی توانند به

(1) سایت شبکه المنار، رئیس روحانی فی نیویورک حاملاً "مبادرة أمن هرمز"، (23 سپتامبر 2019)، تاریخ بازدید: 19 ژوئن 2023، <https://www.manartv.com.lb/5742904>

(2) Amos Harel, Gulf States Reevaluate Iran Policy as U.S. Focus on China and Russia, Haaretz, (May 12, 2023), accessed June 19, 2023, [https://t.ly/\\_XSII](https://t.ly/_XSII)

پیروزی مطلق دست یابد و ادامه درگیری میان طرفین نتیجه ای جز فرسایش نخواهد بود. و اوضاع کشورهای عراق، سوریه و لبنان در سایه جنگ سرد منطقه ای و دخالت‌های قدرتهای بین‌المللی به شدت وخیم است. تصمیم‌سازان عربستان سعودی نیز به این نتیجه رسیدند که پایان دادن به پیامدهای ویرانگر این رقابت و تضمین تداوم منافع، بدون تنش زدایی و تجدید نظر در سیاستها ممکن نیست. و ادامه رویارویی فرسایش بیشتر منابع را به دنبال دارد و دشمنان کشور با استفاده از این وضعیت، تلاش می‌کنند روند درگیری در منطقه را تغییر دهند.

و نهایتاً در سطح داخلی، پادشاهی عربستان سعودی در پرتو چشم انداز 2030 به این واقعیت رسید که رویارویی با ایران علاوه بر هزینه بالایی که دارد، فرصت‌ها را نیز به هدر می‌دهد. از این رو، دیدگاه خود را درباره تنش زدایی و گفتگو مطرح کرد تا امکانات کشور در خدمت شکوفایی داخلی قرار گیرد. پادشاهی سعودی در چارچوب این چشم‌انداز در سالهای اخیر پیشرفتهای قابل توجهی را در تمامی عرصه‌ها محقق ساخته است. و در شمار اقتصادهایی که سریع‌ترین رشد را در جهان دارند قرار گرفته و در جایگاه پانزدهم بزرگترین اقتصادهای دنیا جای گرفته است. و برای اولین بار در تاریخ کشور، تولید ناخالص داخلی تا یک تریلیون دلار رشد داشته است. پادشاهی عربستان سعودی همچنان در تلاش است تا در سال 2030 میلادی در شماره اقتصاد برتر دنیا قرار گیرد.<sup>1</sup> هرچند که پادشاهی عربستان سعودی به تحقق چشم‌انداز 2030 چشم دوخته است اما این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که همه‌گیری کرونا تأثیر زیادی بر اقتصاد گذاشت و عربستان سعودی در مورد کاهش ذخیره ارزی با چالش روبرو شد. و کوچکتر شدن اقتصاد جهانی تقاضای نفت را بسیار کاهش داد. از اینها گذشته، ثبات داخلی کشور و تلاش برای تحقق چشم‌انداز 2030 نیازمند فضای آرام در منطقه و کاهش تنشها با ایران است.<sup>2</sup>

## دو. بسترهای جدید خارجی در چارچوب چشم‌انداز 2030

در چارچوب چشم‌انداز 2030 قطب‌نمای سیاست خارجی به سوی تلاش برای پایان دادن به درگیریها و سوق دادن قدرتهای منطقه ای به سوی توسعه و همکاری به جای ناآرامیها و ناکارآمدی‌ها جهت‌گیری کرد. و این موضع در چارچوب چشم‌انداز 2030 که در راستای تغییر الگوی عربستان سعودی در سطح خارجی و دیدگاه آن درباره خاورمیانه جدید است، اتخاذ شد.<sup>3</sup> و دیدگاه عربستان سعودی بر چندین مسأله اساسی متمرکز شد که عبارتند از:

**اول: تلاش برای برقراری ثبات و کاهش تنشهای منطقه ای، کاهش تنش با تهران و از سرگیری روابط دیپلماتیک بر اساس همین اصل صورت گرفت و حتی بعد از امضای توافقنامه میان ایران و عربستان که در ماه مارس 2023 میلادی در پکن به امضا رسید، از رئیس‌جمهور ایران**

(1) Paloma González del Miño, David Hernández Martínez, Ibid.

(2) Majid Bozorgmehri, Hakem Ghasem, Ibid.

(3) Mohammed Al-Sulami, Region should embrace Saudi Arabia's pioneering vision, (April 03, 2023), accessed: August 13, 2023, <https://bit.ly/3HOH6wK>



برای سفر به عربستان دعوت شد. همچنین عربستان سعودی در چارچوب آمادگی برای آغاز مرحله تازه ای از روابط، سوریه را نیز به نشست سران عرب که در 19 می 2023 به ریاست پادشاهی عربستان سعودی و درجده برگزار شد، دعوت کرد و با این اقدام سوریه را به آغوش عربی بازگرداند. علاوه بر آن، پادشاهی عربستان سعودی همچون گذشته میانجیگریها میان گروههای درگیر را ادامه می دهد که نمونه آن میانجیگری میان طرفهای سودانی است تا این کشور را از بحران کنونی نجات دهد و با مهار کردن بحرانها، به روند صلح کمک نماید.

**دوم: تنوع بخشیدن به شراکتها با قدرتهای بین المللی و ارتقای جایگاه خود در سایه تحولات نظام بین الملل:** پادشاهی عربستان سعودی روابط خود را با کشورهای آسیایی و مخصوصا چین تقویت کرده است. در طی چند سال گذشته، چین ابتکار کمربند و جاده را با راهبردهای توسعه ملی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج مانند چشم انداز 2030 عربستان سعودی ادغام کرده است. و این رویکرد در سال 2022 سرعت گرفت و پادشاهی عربستان سعودی به عنوان دومین کشور در سطح جهان مطرح شد که میزبان بیشترین سرمایه گذاری چین در ابتکار کمربند و جاده بوده است<sup>1</sup>. همچنین عربستان سعودی تلاش کرد عضویت سازمانهای چند جانبه ای مانند سازمان همکاری شانگهای و سازمان اقتصادی بریکس را نیز به دست آورد. اما این رویکرد بدان معنا نیست که عربستان در مسیر قطع رابطه با غرب گام بر می دارد؛ بلکه بدین معناست که این کشور در صدد است خود را به عنوان یک قدرت بین المللی در حال صعود در نظام جدید بین الملل معرفی کند. گفتنی است مؤلفه هایی چون افزایش تأثیرگذاری ژئوپلیتیک، آزادی مانور دهی، سیاست خارجی واقع گرا و فارغ از گرایشات ایدئولوژیک، حفظ سیاست بی طرفی نسبت به قدرتهای بین المللی رقیب، استفاده از فضای رقابت کنونی قدرتهای بین المللی برای تقویت جایگاه و قدرت تأثیرگذاری خود و یافتن مرکزیت تازه جهانی با توجه به جایگاه اقتصادی و افزایش اهمیت نفت در سایه تحولات کنونی بین الملل، چنین جایگاهی را برای پادشاهی عربستان سعودی در نظام جدید بین الملل رقم می زند. تأثیرگذاری پادشاهی سعودی در این چارچوب را می توان در موضع اخیر این کشور در قبال بحران اوکراین مخصوصا در ابتکاری که برای پایان دادن به این بحران ارائه کرد، و در سیاستهای نفتی عربستان مشاهده کرد که به دور از فشارهای امریکا بیشتر به منافع ملی توجه دارد<sup>2</sup>.

**سوم: ایجاد الگو و ارائه ابتکارهایی برای شکوفایی و گشایش در منطقه، پادشاهی عربستان سعودی الگوی پیشگام در توسعه، تبدیل شدن به مرکز سیاسی قدرت، مرکز جلب سرمایه گذاریها و جامعه کسب و کار جهانی را ارائه می دهد. عربستان سعودی نمی تواند جز با داشتن منطقه ای با ثبات چنین چشم اندازی را تحقق بخشد. لذا، دیدگاه عربستان سعودی تنها به**

(1) Christoph NEDOPIL, China Belt and Road Initiative (BRI) Investment Report 2022, Green Finance & Development Center, University Shanghai, (January 2023), accessed: July 10, 2023, p 9, <https://bit.ly/3D7IDHS>

(2) Cliff Kupchan, 6 Swing States Will Decide the Future of Geopolitics, foreign policy, (JUNE 6, 2023), accessed: July 10, 2023, <https://bit.ly/3NLMUnP>

حل و فصل بحرانه‌ها خلاصه نمی‌شود بلکه پادشاهی سعودی در صدد است کشورهای منطقه را برای عبور به آینده به اتخاذ گزینه‌های امن سوق دهد. پادشاهی عربستان سعودی برای این باور است که رشد بازارها و رشد اقتصادهای کشورها زمینه را برای تحقق چشم‌انداز پادشاهی عربستان مهیاتر می‌کند و عکس این مسأله نیز درست است. از این رو، عربستان سعودی در راستای رسیدن به این هدف که به جای هرج و مرج ویرانگر، در یک فضای رقابتی خلاق همگان سود ببرند آماده هرگونه همکاری است. به عنوان مثال، ابتکارهای عربستان برای خاورمیانه سبز، فراتر از اقدام برای بحران اقلیمی بود. و هدف این ابتکار آماده کردن منطقه برای مرحله بعد از نفت است. و این یک چشم‌انداز پیشرفته‌ای است که پادشاهی عربستان سعودی می‌خواهد همانطور که منطقه تا کنون صادرکننده نفت بوده است، در آینده نیز صادرکننده انرژی تجدید پذیر باشد.

### سه. دیپلماسی و آزمودن روش تنش زدایی با ایران

عربستان سعودی هیچگاه دنبال آن نبوده است که وارد یک بازی با حاصل جمع صفر با ایران شود. بلکه از جمله اولویتهای عربستان این بوده است که این رویارویی، طرف دوم را وادار به تغییر رفتار کند. از این رو، امیر محمد بن سلمان در جولای 2022 از ایران "به عنوان یک کشور همسایه دعوت کرد که با کشورهای منطقه وارد همکاری شود و با پایبندی به اصول قوانین بین الملل، عدم دخالت در امور کشورهای دیگر و همکاری با آژانس بین المللی انرژی هسته‌ای، بخشی از این چشم‌اندازی باشد که عربستان سعودی برای خاورمیانه ترسیم کرده است"<sup>1</sup>. به علاوه، ابتکار عربستان سعودی سبب شد که گفتگوها میان ریاض و تهران با میزبانی عراق در آوریل 2021 کلید بخورد. و طرفین برای ادامه گفتگوها برای حل اختلافات ابراز تمایل کردند و ولی عهد سعودی گفت که کشورش در صدد است "روابط نیک" با ایران داشته باشد و ما "با شرکای خود در منطقه تلاش می‌کنیم تا بر اختلافات با ایران چیره شویم". این دعوتها از سوی مقامات ایرانی نیز پذیرفته شد و دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران گفت: "حضور فعال ایران در مذاکرات دوجانبه با عربستان سعودی که به میزبانی عراق صورت می‌گیرد، از راهبرد اولیه جمهوری اسلامی در زمینه همکاری و دوستی با همسایگان نشأت می‌گیرد"<sup>2</sup>. محمد جواد ظریف وزیر وقت امور خارجه ایران نیز گفت "اگر عربستان بخواهد، البته جمهوری اسلامی ایران همیشه آماده برقراری روابط است"<sup>3</sup>.

(1) العربية نت، نص كلمة ولي العهد السعودي بقمّة جدّة للأمن والتنمية، (16 جولای 2022)، تاریخ بازدید: 11 جولای 2023، <https://bit.ly/43m8HbN>

(2) Adnan Hashim, Saudi-Iranian Consultations: Searching for a Balanced Regional Security System, Abaad Studies & Research Center, (4 June 2023), accessed: 11 July 2023, <https://bit.ly/3roN6lF>

(3) سایت اسپوتنیک عربی، أول رد رسمي على وساطة رئيس الوزراء العراقي بين إيران والسعودية، (14 اکتبر 2020)، تاریخ بازدید: 19 ژوئن 2023، <https://bit.ly/3XcQr2Q>

در یک تحول مهم که از دگرگونی توازن قوا در منطقه حکایت دارد، این دورگفتگوها به چین فرصت داد تا در دهم مارس 2023 در حصول توافقنامه میان طرفین نقش فعالی ایفا کند. به موجب این توافقنامه طرفین ایرانی و سعودی در مورد عدم دخالت در امور داخلی کشورها، احترام به حاکمیت کشورها، رعایت حسن همجواری متعهد شدند و تصمیم گرفتند تا روابط دیپلماتیک خود را که از سال 2016 بدینسو قطع بود، را مجدداً از سرگیرند. این توافقنامه خوش بینی هایی را در سطح منطقه و بین الملل ایجاد کرد و انتظاری می رود که این توافقنامه تأثیر مهمی در زمینه روابط دوجانبه داشته باشد و منطقه بعد از چند دهه ناآرامی و هرج و مرج به سوی امنیت و ثبات رو کند.

بی تردید، دکترین سیاست خارجی عربستان سعودی در تغییر رویکرد روابط با ایران از وضعیت قطع رابطه و رویارویی به از سرگیری روابط و یافتن فرصتهای تنش زدایی و حل مسائل اختلافی، بسیار مؤثر بود. در سطح روابط دوجانبه، روابط دیپلماتیک میان دو کشور که از سال 2016 بدینسو قطع بود، از سر گرفته شد و طرفین توافق کردند که توافقنامه های دوجانبه پیشین مانند توافقنامه امنیتی و همکاری که در سال 2001 در مورد پولشویی و مبارزه با تروریسم به امضا رسید و نیز توافقنامه همکاری اقتصادی را نیز احیا کنند و علاوه بر آن، طرفین ملزم شدند که از دخالت در امور داخلی یکدیگر پرهیز کنند.

همچنین، جایگاه چین در اینکه طرفین به امضای این توافقنامه روی آورند و به تنشها میان یکدیگر پایان دهند، نقش به سزایی داشت. همچنین چین با نقشی که در میانجیگری ایفا کرد، مذاکرات دو ساله میان دو کشور را به ثمر رساند. اما پیامدهای این میانجیگری چین و تأثیر آن بر موفقیت توافق عربستان سعودی و ایران هنوز در مرحله آزمون قرار دارد. بنا به گفته امیر فیصل بن فرحان وزیر امور خارجه عربستان سعودی، حصول این توافق "به معنای حل و فصل تمامی اختلافات موجود میان طرفین نیست بلکه نشان می دهد طرفین به گفتگو و تنش زدایی و حل مسالمت آمیز اختلافات تمایل نشان داده اند". با این همه، این توافق در داخل هر دو کشور انعکاس گسترده ای داشت. و در سطح منطقه و بین الملل مورد استقبال گسترده ای قرار گرفت. هم قدرتهای همپیمان عربستان سعودی و هم قدرتهای طرفدار ایران از این توافق استقبال کردند. از این رو، می توان گفت که اگر طرفین در این توافق صادق باشند، زمینه موفقیت تفاهمهای عربستان سعودی و ایران کاملاً مهیا است.

## چهارم: پیامدهای این سیاستها بر هر دو کشور

پیامدهای سیاست های عربستان سعودی که میان قدرت و دیپلماسی در نوسان بود، را می توان در چند سطح مورد بررسی قرار داد:

یک. سیاست خارجی پویای "پادشاهی عربستان سعودی عامل ثبات منطقه ای"

در گذشته، سیاست خارجی عربستان سعودی به شدت محافظه کار بود و بیشتر تلاش می کرد با استفاده از قدرت نرم و کمکهای اقتصادی بر جهان اسلام و جهان عرب تأثیر بگذارد. اما اکنون سیاست خارجی عربستان سعودی دگرگون شده و ماهیت پیشگامانه، مشارکتی و قاطعانه به خود گرفته است. همچنین، نرمش و سازگاری با توجه به سطح تهدید و یا خطر از دیگر ویژگیهای سیاست خارجی عربستان است. از این رو می توان آن را "دکترین جدید سیاست خارجی عربستان سعودی" نامید<sup>1</sup>.

از مهمترین ویژگیهای این راهبرد تازه عربستان سعودی این است که این کشور سیاست منطقه ای را فعال کرد تا با احیای نقش تأثیرگذار، نفوذ خود را در منطقه تقویت کند. پادشاهی عربستان سعودی در سرنوشت سازترین مناطق خاورمیانه که بالاترین سطح درگیری را شاهد بود، با تهدیدها از جمله تهدید ایران مقابله کرد. و اینگونه بود که این راهبرد تازه سبب شد که عربستان سعودی به عنوان عامل ثبات منطقه معرفی شود و به موازات آن، عربستان سعودی از نقش سنتی خود به عنوان میانجی در چندین درگیری منطقه ای غفلت نکرد؛ البته میانجیگری عربستان در چارچوب نهادمند صورت می گیرد که معمولاً در مقایسه با دیگر وساطت های منطقه ای، با تبلیغات کمتر و احتیاط بیشتری همراه است.

علاوه بر آن، این راهبرد ثابت کرد که پادشاهی عربی سعودی توان آن را دارد که در آن واحد در چندین جبهه و با ابزارهای مختلفی چون اقتصادی، نظامی، سیاسی، دیپلماسی و مذهبی وارد یک رویارویی گسترده شود. این رویارویی حتی به مناطق جغرافیایی دورتری در آفریقا و آسیای میانه نیز رسید. این سیاست عربستان سبب شد که در سطح بین الملل نیز کشورهایی چون مراکش، موریتانی، جزایر کومورو، سودان و برخی از کشورهای غرب آفریقا، چین و روسیه نیز در مواضع خود در قبال ایران تجدید نظر کنند؛ گفتنی است که اخیراً چین و روسیه در موضع خود در قبال جزایر سه گانه مورد مناقشه میان امارات و ایران تجدید نظر کرده اند.

تا کنون سابقه نداشت که پادشاهی عربستان سعودی تقریباً به تنهایی اینگونه با ایران وارد تنش و رویارویی مستقیم شود. این امر ثابت کرد که هرچا نیاز به مشارکت پادشاهی عربستان سعودی باشد، این کشور آمادگی دارد برای تقویت حضور خود تمام امکانات را به میدان آورد. حتی پادشاهی عربستان سعودی گزینه کشاندن جنگ و رویارویی به درون مرزهای کشوری که حاکمیت و امنیت عربستان را مورد تعرض قرار دهد روی میز گذاشت، و این به خوبی گویای میزان تغییر در رویکرد سیاست خارجی این کشور است.

علاوه بر آن، پادشاهی عربستان سعودی همواره تلاش کرده است تا اقدامات خود را در چارچوبهای مشارکتی نوین و با اجماع بین المللی و منطقه ای پیش ببرد. و ائتلاف بین المللی مبارزه با تروریسم، ائتلاف حمایت از دولت قانونی یمن بر همین اساس شکل گرفت و عربستان سعودی به قبله منطقه ای و بین المللی بدل شد و از چندین نشست و گردهمایی مهم میزبانی

(1) Paloma González del Miño, David Hernández Martínez, Ibid.

کرد که از جمله آنها می توان به نشست سران چین و کشورهای خلیج، نشست سران چین و کشورهای عرب، نشست سران کشورهای آسیای میانه و دیگر ابتکارها و نشست ها اشاره کرد. و این تلاشها از پویایی و آمادگی عربستان برای مدیریت اوضاع و به کارگیری ابزارها و مکانیزم های متعدد در مقابله با بحرانها حکایت دارد. و مهمتر از همه اینکه این اقدامات سبب تقویت نقش پادشاهی عربستان سعودی به عنوان یک رهبر منطقه ای شد که می تواند با شجاعت و جرأت الگوی دیپلماسی خود را در منطقه تغییر دهد. و باز مسأله مهمتر این است که عربستان سعودی امکاناتی در اختیار دارد که از این ساختارها و نهادها برای انجام مأموریت مورد نظر، حمایت کند.

علاوه بر آن، پیش از این سابقه نداشت که عربستان سعودی به استفاده از قدرت نظامی - مگر به صورت بسیار محدود - روی آورد. اما در یک تحول بنیادین در سیاست خارجی، عربستان سعودی برای حمایت از امنیت و منافع خود به استفاده از گزینه نظامی روی آورد. و برای اولین بار بدون کمک ایالات متحده و یا برخی از نزدیکترین همپیمانان منطقه ای، بار آن را بردوش کشید. ویژگی عملیات نظامی در این بود که عربستان سعودی تصمیم گرفت به عنوان یک عامل دیگر در سیاست خارجی، از قدرت سخت خود نیز بهره گیرد.

در عین حال، این واقعیت مسجل شد که تصمیم سازان عربستان سعودی در سازگار کردن سیاست خارجی با شرایط و اولویتها و منافع حیاتی کشور، عملگرایی و نرمش زیادی به خرج داده اند. زیرا علی رغم اینکه برای مقابله با چالشها، راهبرد رویارویی را روی دست گرفتند، اما در عین حال از گزینه گفتگو و تنش زدایی نیز غافل نبودند. پیام اصلی پادشاهی عربستان سعودی - مخصوصا برای ایران - که مورد تأکید ولی عهد نیز بود، این است که پادشاهی عربستان سعودی با ملت ایران مشکلی ندارد و حتی با ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای که برنامه ها و منافع خود را دنبال می کند نیز مشکلی ندارد اما با نظامی مشکل دارد که رویکردهای خارجی آن بر اساس ایدئولوژی تعیین می شود. و این امکان وجود دارد که به جای تنش آفرینی به رقابت سازنده پرداخت.

به نظر می رسد رویکرد خارجی عربستان سعودی در مورد تنش زدایی از تحولات داخلی در چارچوب تحولات ریشه ای در تمامی عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ناشی می شود. و این تغییرات نشان داد که عربستان سعودی به تنوع بخشیدن به شرکا تمایل دارد و این مسأله یکی از مهمترین ویژگیهای تغییر بنیادین در سیاست پادشاهی عربستان سعودی است و این مهم بعد از اینکه رابطه عربستان با ایالات متحده به سردی گرایید، با جدیت بیشتری دنبال شد. و این واقعیت به روشنی خود را نشان داده است که عربستان سعودی دیگر خود را به برنامه های دیپلماتیک واشنگتن در منطقه و جهان مقید نمی داند.<sup>1</sup>

(1) Max Boot, As a post-American Middle East dawns, Iran and China rush to fill the void, Washington post, ( May 8, 2023), accessed June 19, 2023, [https://t.ly/\\_a92e](https://t.ly/_a92e)

آمریکا به عربستان سعودی فشار آورد تا با تصمیم اوپک پلاس مبنی بر کاهش سطح تولید نفت مخالفت کند اما وقتی عربستان سعودی زیر بار این فشارها نرفت، اختلافات میان این دو بالا گرفت که این امر خود نشان دهنده استقلال سیاستهای عربستان از ایالات متحده است. همچنین توسعه روابط با چین نشان می دهد که عربستان به دنبال تنوع بخشیدن به شرکای خود است. بی تردید، این عوامل سبب شد که ایران به گفتگو با عربستان تمایل نشان دهد. زیرا این وضعیت، فرصتی برای ایران فراهم ساخت تا ارتباط آمریکا با عربستان را قطع کند و ساختار ائتلافهای منطقه ای که با هدف منزوی ساختن و تضعیف ایران تشکیل شده بود را برهم بزند.<sup>1</sup>

و خلاصه اینکه اکنون این واقعیت مسجل شده است که پادشاهی عربستان سعودی آمادگی دارد بار رهبری منطقه ای را به دوش کشیده و بدون کمک هیچ یک از قدرتهای بین المللی از عهده این مسئولیت برآید. این سیاست " خود اتکایی" در رویکرد عربستان سعودی برای تقویت توانمندی نظامی و کاهش وابستگی به چتر حمایتی آمریکا، خود را به وضوح نشان داده است. تغییرات بودجه نظامی پادشاهی عربستان سعودی در سالهای اخیر نیز از همین امر حکایت دارد. بنا به گزارش انستیتوت تحقیقات صلح استکلهم عربستان سعودی در سال 2015 از لحاظ بودجه نظامی بعد از آمریکا و چین و در جایگاه سوم قرار داشت. و از آن زمان همواره جزء ده کشوری بوده است که بیشترین بودجه نظامی را دارند.

و علی رغم اینکه کشورهای اروپایی درگیر در جنگ اوکراین بودجه های کلانی برای آن تخصیص داده اند، اما با این همه، عربستان سعودی در سال 2023 از لحاظ بودجه نظامی در جایگاه پنجم جای گرفت. و برخلاف گذشته که سلاحهای پیشرفته را از آمریکا خریداری می کرد، اما عربستان سعودی اکنون به تنوع بخشی به منابع سلاح و همچنین بومی سازی صنایع نظامی روی آورده است و بخشی از سلاحهای خود را به کشورهای دیگر صادر می کند.<sup>2</sup> این شرایط کشور پادشاهی عربستان سعودی را به عنوان یک قدرت منطقه ای مطرح ساخته که شایسته پیشگامی در سطح منطقه و بین المللی است. و با توجه به اعتماد و محبوبیتی که در میان کشورها دارد، نقش رهبری منطقه ای و بین المللی این کشور مورد پذیرش سایر کشورها نیز قرار گرفته است.

به هر حال، در پیش گرفتن شیوه دیپلماسی به عنوان یک گزینه، به هیچ عنوان بدان معنا نیست که پادشاهی عربستان سعودی ناخواسته از الگوی مقابله با برنامه های مخرب ایران صرف نظر کرده است. بلکه عربستان سعودی با کنار گذاشتن برخی پرونده ها از فرصت همکاری برای برقراری ثبات در منطقه استفاده می کند. که این امر نیز جایگاه و نقش پادشاهی

(1) onathan Panikoff, The US should pay close attention to Saudi Arabia's domestic policy, Atlantic council, (June 7, 2023), accessed June 19, 2023, <https://bit.ly/43HnCy2>

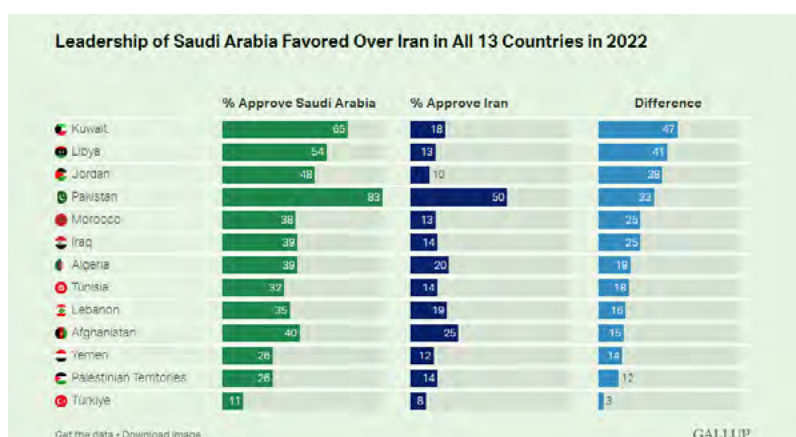
(2) الوطن، زیادة الإنفاق العسكري في الشرق الأوسط، (٢٤ أبريل ٢٠٢٣)، تاریخ بازدید: ٨ آگوست ٢٠٢٣، <https://bit.ly/3Oq57rm>

عربستان سعودی را به عنوان رهبر منطقه ای تقویت می کند. و این جایگاهی است که پادشاهی عربستان سعودی در صدد است در پرتو چشم انداز 2023 آن را محقق سازد. و عملاً نیز ثابت شده است که به کارگیری ترکیبی از سیاستهای قدرت و دیپلماسی، کشور پادشاهی عربستان سعودی را به عنوان یک قدرت موازنه گر منطقه ای، قدرت بازدارنده در مقابل تهدیدها، قیله منطقه ای و مرکز ثقلی در همه تعاملات مطرح کرده است. و میزبانی از کنفرانسها، دیدارها، نشست ها و اتلافها در سالهای اخیر، بهترین شاهد بر این مدعاست. بی تردید، همه این اقدامات ایران را بر آن داشت تا در سیاستهای خود در قبال پادشاهی عربستان سعودی تجدید نظر کند.

## دو. تغییر پیش داورها و تصویرهای کلیشه ای از دو قدرت رقیب منطقه ای

بر اساس نظر سنجی ها از جمله نظر سنجی مؤسسه گالوپ، سیاست پادشاهی عربستان سعودی سبب شد که این کشور در سطح منطقه و بین المللی تصویر بهتری از خود ارائه دهد. این امر نه تنها ناشی از اصلاحات داخلی کشور و حمایت اقتصادی از کشورهای جهان اسلام است، بلکه به این خاطر است که این کشور قدرت ثبات منطقه ای و قدرت در حال صعودی است که بیش از سایر قدرتهای دیگر از فشارهای قدرتهای بزرگ مستقل عمل می کند. عربستان سعودی در این نظر سنجی ها از ایران پیشی گرفته است و این نشان می دهد که عربستان سعودی همچنان از محبوبیت زیادی برخوردار است. این درحالیست که دخالتهای منطقه ای ایران و نیز دشمنی این کشور با عربستان سعودی که رهبری جهان اسلام را بر عهده دارد، بر آوازه ایران در سطح منطقه و جهان تأثیر منفی گذاشته است. و احتمالاً کاهش قدرت نرم ایران سبب شده است که این کشور در سیاستهای خود در قبال پادشاهی عربستان سعودی تجدید نظر کند.<sup>1</sup>

نتایج نظر سنجی مؤسسه گالوپ نشان می دهد که چند درصد مردم در برخی کشورها رهبری عربستان سعودی و یا رهبری ایران را قبول دارند.



Source: <https://bit.ly/3rmUGxf>

(1) JAY LOSCHKY, Saudi Arabia's Soft Power Outshines Iran's, Gallup, (APRIL 19, 2023), accessed: July, 2023, <https://bit.ly/3rmUGxf>

سیاست پادشاهی عربستان سعودی این کشور را از لحاظ جایگاه منطقه ای، تقویت هویت ملی، و صلح سازی در منطقه، در نقطه مقابل نظام ایران قرار داد. در حالیکه ابتکارهای عربستان سعودی جایگاه این کشور و همچنین نفوذ منطقه ای و بین المللی این کشور را تقویت می کند، سیاستهای نظام ایران کشور را به سوی انزوا، تحریمها و ناآرامیهای داخلی سوق می دهد. در زمانیکه ایران با انزوای بین المللی و فشارهای حداکثری دست و پنجه نرم می کند، جامعه بین الملل از آمادگی خود برای پذیرش پادشاهی عربستان سعودی در گروه بیست خبر می دهد. تا جایی که نخبگان و همچنین توده های مردم ایران سیاست عربستان سعودی را یک سیاست پیشگام می دانند و بر این باورند که عربستان توانسته است مدرنیته و پیشرفت را بومی سازی کند که این امر در چگونگی برخورد دو کشور با کرونا و همچنین در سطح شراکتها و ائتلافهای بین المللی به خوبی نمایان است. درست در زمانیکه ایران در چارچوبی که می توان آن را ائتلاف ضعیفان نامید فعالیت می کرد، پادشاهی عربستان سعودی به عنوان قبله و مرکز فعال سیاستهای منطقه ای و بین المللی و بازیگر تأثیرگذار در سیاستهای جهانی مطرح بود. حتی عربستان توانست جایگاه تهران در میان برخی همپیمانانش مانند چین و روسیه را نیز کاهش دهد. گفتنی است که این دو قدرت، درباره برخی از مسائل اختلافی دیدگاه عربستان سعودی و کشورهای خلیج را پذیرفته اند و اخیرا شاهد بودیم که این دو کشور درباره جزایر سه گانه در خلیج عربی که در اشغال ایران قرار دارد، با موضع کشورهای خلیج همراهی کردند. پادشاهی عربستان سعودی توانست در یک مرحله حساس نظام بین الملل، جایگاه خود را ارتقا بخشد. و اکنون تمام کشورها عربستان را مهمترین، تأثیرگذارترین و پرنفوذترین قدرت منطقه ای می دانند که بیش از سایر کشورها در راستای تقویت امنیت و ثبات منطقه ای تلاش می کند.

### سه. سیاست مدارا با ایران و تقویت فرصت‌های فراروی این کشور

روش عربستان سعودی در به کارگیری سیاست ترکیبی مدارا و متقاعد کردن (تا جایی که امکان دارد) همراه با کوتاه نیامدن از گزینه قدرت و زور در صورت نیاز، سبب شد که ایران در مواضع و رفتار خود در قبال عربستان تجدید نظر کند. سیاست رویارویی عربستان در تحقق بازدارندگی و توازن راهبردی با ایران کارساز افتاد. و به روشنی این پیام را مخابره کرد که عربستان سعودی که اصلاحات گسترده ای به خود دیده است، از هیچ تلاشی برای مقابله با طرح منطقه ای ایران فروگذار نمی کند؛ هرچند ایران بر این باور بود که عربستان سعودی بدون کمک ایالات متحده قادر به دفاع از خود نیست. و بی تردید این تغییر، تصویر کلیشه ای از عربستان سعودی را نیز تغییر داد و اکنون شهروندان داخل ایران نیز تحولات و پیشرفت‌های عربستان را می ستایند؛ چرا که پادشاهی عربستان سعودی ابتکارهای خلاقانه ای را در منطقه ارائه می کند و در زمینه رشد اقتصادی و تنوع فعالیتها، گامهای کلانی برداشته و موفقیت‌هایی نیز به دست آورده است. این در حالیست که اقتصاد ایران در اسارت سلطه ایدئولوژی و پروژه سلطه منطقه ای گرفتار آمده است.



بی تردید، عادی سازی روابط با پادشاهی عربستان سعودی، ایران را از حالت انزوای بین المللی ناشی از تحریمهای ایالات متحده و اتحادیه اروپا خارج می کند که این امر می تواند به بهبود اوضاع وخیم اقتصادی ایران کمکی بکند. پس می توان گفت که توافق ایران با عربستان، سبب کاهش تنشهای داخلی می شود و این فرصت را برای نظام ایران فراهم می سازد تا مشروعیت خود را که به خاطر اعتراضات گسترده مردمی که در پی کشته شدن مهسا امینی به دست گشت ارشاد تا حد زیادی آسیب دیده بود، دوباره ترمیم کند. همچنین، این توافق شانس پذیرفته شدن عضویت ایران در سازمان شانگهای و گروه بریکس را تقویت می کند؛ و چین به ایران برای مقابله با تحریمهای فزاینده غرب کمک می کند. این توافق زمینه شراکت قوی تر با چین را فراهم می کند و این شراکت به نوبه خود بر مذاکرات هسته ای ایران با قدرتهای غرب تأثیر مثبت می گذارد.

از آنجا که منطقه در سالیهای اخیر شاهد ترتیبات امنیتی از سوی ایالات متحده و همپیمانان منطقه ای آن برای مقابله با ایران بوده است که از آن جمله می توان به ترتیبات قدیمی و حضور همیشگی نظامی امریکا و تلاش برای ایجاد ناتوی عربی برای مقابله با ایران، چندین فرم همکاری در مورد حمایت از دریانوردی در خلیج، و همچنین ترتیبات جدید امریکایی در مورد ایجاد ساختار امنیتی منطقه ای با مشارکت اسرائیل اشاره کرد، استقبال عربستان سعودی از گفتگو با ایران زمینه را برای ایجاد یک وضعیت تازه در منطقه فراهم ساخت. زیرا توافق میان ایران و عربستان باعث تنش زدایی و کاهش سطح تنشها می شود و در مورد برخی مسائل امنیتی منطقه تفاهماتی را به دنبال خواهد داشت. و حتی احتمال دارد این توافق شکل گیری هرگونه ترتیب امنیتی با حضور اسرائیل و با هدف مقابله با ایران را به بن بست بکشاند. علاوه بر آن، این تفاهم انتظارها در مورد گسترش پیمان ابراهیم را نیز کاهش می دهد و پروسه عادی سازی روابط کشورهای خلیج با اسرائیل را با مشکل روبرو خواهد ساخت. و اگر عربستان سعودی چنین فضایی را مهیا نمی کرد، ایران نیز نمی توانست ابتکار همکاری دریایی خلیج را پیشنهاد کند<sup>1</sup>.

با توجه به سیاستی که عربستان سعودی در منطقه دنبال می کند، ظاهراً عربستان سعودی فعلاً صلاح نمی داند که در جبهه ضد ایرانی قرار گیرد. زیرا تصمیم ساز سعودی تمایلی به تقسیم منطقه به دو محور متخاصم ندارد؛ چرا که چنین امری طرح توسعه پادشاهی عربستان سعودی را با مشکل روبرو ساخته و تلاشهای این کشور را در یک درگیری بی نتیجه به فرسایش می برد. بلکه قدرتهای بزرگ برای تداوم بحران منطقه و تضمین منافع خود از این وضعیت بهره برداری می کنند. و احتمالاً همین امر نیز عربستان سعودی را بر آن داشت حتی در زمانیکه رویارویی به شدت ادامه داشت، از هرگونه تلاشی که به تنش زدایی منجر شود استقبال کند.

(1) خبرگزاری مهر، معنای خروج امارات از مدار وا شن گتن / دل خوری عادی یا تحولی جدی؟، (14 خرداد 1402 ه. ش)، تاریخ بازدید: 10 جولای 2023، <https://2u.pw/gSUTyZ>

و شرط عربستان این بود که ایران نیز حسن نیت نشان داده و رفتار خود را تغییر دهد تا منطقه از وضعیت کنونی بحرانیها به سوی ثبات حرکت کند.<sup>1</sup>

همچنین، گشایش در روابط عربستان سعودی با ایران، رهیافت دیپلماسی واشنگتن در تعامل با برنامه هسته ای ایران را نیز پیچیده تر می کند. زیرا رشد روابط ایران با همسایگان خلیجی سبب می شود که تأثیر فشارهای آمریکا کمتر شود. و این امر در مذاکرات هسته ای، شانس چانه زنی ایران را بالا می برد. به عنوان مثال، امارات متحده عربی در صدد است مبادلات تجاری را با ایران افزایش دهد. طبق اظهارات یک مسئول اماراتی، میزان مبادلات تجاری این کشور با ایران از مبادلات ایران با چین که اولین شریک تجاری ایران محسوب می شود نیز فراتر می رود. جا دارد در اینجا به اظهارات محمد بن عبدالله الجدعان وزیر دارایی عربستان سعودی اندکی بعد از اعلام توافقنامه عادی سازی روابط اشاره کنیم که گفت: "در ایران فرصتهای زیادی برای سرمایه گذاری سعودی وجود دارد". احسان خاندوزی وزیر امور اقتصادی و دارایی ایران نیز در ماه می 2023 برای بررسی توسعه روابط اقتصادی به ریاض سفر کرد.<sup>2</sup>

بعد از تحولات اخیر در روابط ایران و عربستان سعودی، ریاض از فشارهایی که برای ایالات متحده و دیگر اعضای برجام وارد می کرد کم خواهد کرد. گفتنی است عربستان سعودی و کشورهای خلیج اصرار داشتند که برخی مسائل همچون رفتار منطقه ای ایران و نیز برنامه موشکی این کشور در دستور کار مذاکرات هسته ای ایران گنجانده شود. بنا به گفته محمد جواد ظریف وزیر پیشین امور خارجه ایران این مسائل یکی از موانع مذاکرات هسته ای بود. وی در اظهاراتی عنوان داشت: "ایران با کشورهای 4+1 به پیش نویسی دست یافت که از برجام 2015 نیز بهتر بود... اما طرفهای اروپایی به شدت اصرار داشتند که مسائل منطقه ای نیز باید در مذاکرات گنجانده شوند". این احتمال وجود دارد که در مذاکرات احتمالی آینده، از این فشارها کاسته شود.<sup>3</sup>

### چهار. ترسیم افقی تازه برای خاورمیانه به دور از رقابتهای فرقه ای

خاورمیانه یک رقابت منطقه ای گسترده ای را به خود دیده است که پیامدهای آن در کانونهای درگیری در یمن، سوریه خود را نشان داده است. وی ثباتی عراق و لبنان نیز از دیگر پیامدهای این رقابت است. بی تردید، افزایش فرصتهای گفتگو و همکاری میان عربستان سعودی و

(1) سایت راهبرد معاصر، سگته روابط صهیونیست ها و اعراب در دوره نتانیاهو، (13 خرداد 1402 ه.ش)، تاریخ بازدید: 10 جولای <https://2u.pw/O8hMBH.2023>

(2) Eric Brewer, Henry Rome, Biden's Iran Gamble, foreign affairs, (June 9, 2023), accessed: July 10, 2023, <https://bit.ly/3pEOYpI>

(3) Jane Kinninmont, What are Iranians saying about a "political understanding" with the US?, European leadership network, accessed July 10, 2023, <https://bit.ly/3NNnDKb>

ایران - به جای رقابت و درگیری - می تواند به این بحرانها پایان دهد. هرچند که در این زمینه پیشرفتهایی حاصل شده است، اما این رهیافت همچنان در مرحله آزمون قرار دارد.<sup>1</sup>

شاید بتوان گفت که تأثیر سیاست عربستان بر مسأله یمن بیشتر از سایر مسائل است. بعد از افزون بر ده سال رویارویی اکنون این واقعیت مسجل شده است که پایان دادن به جنگ یمن از اولویتهای هر دو طرف ایرانی و عربستانی است؛ زیرا علاوه بر اینکه عربستان سعودی بر این مسأله اصرار دارد، آن را معیار موفقیت سیاست خارجی خود و شرط پذیرش هرگونه تفاهم با ایران قرار داده است. از سویی دیگر، ایران نیز در سایه فشارها، تحریمها، انزوای بین المللی و ناآرامیهای داخلی در اعتراض به رفتارهای مداخله جویانه در امور کشورهای دیگر، نمی تواند همچنان به حوثی ها برای ادامه جنگ کمک کند. البته کاهش تنش در یمن، در نهایت به نفع تهران نیز هست؛ زیرا رابطه تهران با حوثی ها در مقایسه با گروههای دیگری چون حزب الله لبنان و نیروهای حشد شعبی در عراق، چندان مستحکم و نزدیک نیست. در نتیجه، پایان دادن به پیچیده ترین جنگ و هموار ساختن راه دیپلماسی ممکن به نظر می رسد. از آنجا که در سالهای اخیر یمن پرتنش ترین مناطقی بوده است که طرفین در آنجا منافی دارند، می توان گفت که این کشور اولین کشوری است که تأثیرات این توافق را لمس خواهد کرد. زیرا احتمالاً این توافق جلوی قاچاق اسلحه به حوثی های یمن را خواهد گرفت و شورشیان در یمن بعد از هشت سال جنگ طاقت فرسا، تحت فشار قرار می گیرند و احتمالاً فشارها بر حوثی ها نیز افزایش می یابد تا به حملات پیاپی به خاک و تأسیسات نفتی عربستان سعودی پایان دهند. نماینده دائم ایران در سازمان ملل نیز تأکید کرده است که ”توافق میان ایران و عربستان سعودی به پایان جنگ در یمن نیز کمک خواهد کرد“. و اگر چنین اتفاقی رخ دهد، می توان گفت که این توافق در حل یکی از پیچیده ترین مسائل میان طرفین موفق بوده است و احتمال آن نیز می رود. زیرا عربستان سعودی بدون گرفتن تضمینها در مورد پرونده جنگ یمن که به طور مستقیم با امنیت ملی عربستان ارتباط دارد، این توافق را امضا نکرده است. و امضای ایت توافق از جانب تهران نشان از حسن نیت ایران و آغاز یک مسیر طولانی برای رسیدن به تفاهم و حل و فصل بحرانها و بازگرداندن ثبات منطقه ای است.

به نظر می رسد که تأثیر این توافق به سرعت خود را در چندین پایتخت منطقه نشان داده است. بعد از این توافق، علی شمخانی دبیر کل شورای امنیت ملی سفر مهمی به امارات متحده عربی داشت. سپس، ایران در چهارم آوریل 2023 میلادی برای اولین بار از سال 2016 و در میانه عادی سازی روابط ایران و کشورهای خلیج، سفیر خود را در امارات معرفی کرد. دیدار هیأت وزارت امور خارجه ایران از بحرین نیز از دیگر آثار این توافق بود. ناصر کنعانی سخنگوی وزارت امور خارجه ایران بعد از امضای این توافق اظهار داشت که ”امکان دارد این تحول مثبت با دیگر کشورهای منطقه از جمله بحرین نیز حاصل شود“. همچنین از دیگر پیامدهای سریع

(1) Ross Harrison, Alex Vatanka, The Middle East Might Be Moving Toward Stability, Foreign policy, (JUNE 26, 2023), accessed July 9, 2023, <https://bit.ly/3JO3Rgi>

این توافق می‌توان به سفر کمال خرازی به سوریه اشاره کرد که در پی آن، ریاض و دمشق از گفتگوها در مورد از سرگیری خدمات کنسولی میان دو کشور خبر دادند. و همین امر زمینه را برای بازگشت سوریه به آغوش کشورهای عربی فراهم ساخت و ریاض از اسد برای حضور در نشست سران اتحادیه کشورهای عربی که در ماه می 2023 و به میزبانی ریاض برگزار شد، دعوت به عمل آورد. و قبل از آن، فیصل بن فرحان وزیر خارجه عربستان سعودی نیز گفته بود ” در جهان عرب یک اجماعی در حال شکل‌گیری است مبنی بر اینکه منزوی ساختن دمشق بی‌فایده است و بالاخره باید با دمشق گفتگو کرد”<sup>1</sup>. این تحولات نشان می‌دهد که در تعاملات منطقه ای در روابط ایران با کشورهای خلیج، دگرگونی بزرگی حاصل شده است. و ممکن است منطقه تحولات مهمی در حوزه های سیاسی و اقتصادی را تجربه کند که واقعا به منزله یک دگرگونی عظیم است.

علی‌رغم اینکه میان جریان تندرو و اصلاح طلب در مورد فعالیت‌های منطقه ای اختلاف نظر وجود دارد، اما این مسأله که ایران در سایه سیطره تندروها بر قدرت اینگونه تغییر مسیر داده است، در حمایت از روند عادی سازی روابط با پادشاهی عربستان سعودی و حصول تفاهم در مورد مسائل اصلی اختلافی، از اهمیت خاصی برخوردار است. در این زمینه، موضع نرم ایران در قبال مسأله میدان گازی الدرّه (آرش) که عربستان سعودی و کویت در آن سهم دارند، یکی از مسائل اختلافی است که تحت تأثیر فضای گشایش عربستان سعودی و ایران قرار گرفته است. و ایران در این زمینه هم در سیاست و هم در ادبیات رسانه ای خود آرامش را حفظ کرده است. ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه ایران در این مورد اظهار داشت که سیاست دولت فعلی بر گفتگو، همکاری و مشارکت تعریف شده است و مسائل دوجانبه نیز در این چارچوب پیگیری می‌شوند. و این بدان معناست که ایران توافق با عربستان را به منزله فرصتی می‌داند که نباید آن را از دست داد. از این رو، می‌توان گفت که سیاست عربستان سعودی در تغییر روابط از درگیری به تنش زدایی، و به عبارت دقیق‌تر در مدیریت رقابت به جای مقابله و رویارویی در سطح منطقه، موفق بوده است.<sup>2</sup>

### پنج. تغییر شکل رابطه قدرتهای بین المللی در منطقه

در طول سه دهه گذشته، ایالات متحده در منطقه نفوذ داشته است؛ به گونه ای که فضای راهبردی و سیاسی منطقه را همواره به نفع خود مهندسی کرده است. اما با رویکردهای جدید عربستان سعودی و مشخصا سیاست عربستان در قبال ایران، آمریکاییها دریافته‌اند که دیگر نمی‌توانند جلوی تحولاتی را که برخلاف منافع آمریکا رقم می‌خورند، بگیرند. تغییرات بزرگی رخ داده است و خصوصتها و ائتلافهایی که ایالات متحده از طریق آنها فضای منطقه را اداره

(1) Robert Mason, How to Build on the Saudi-Iran Reset, The Henry L. Stimson Center, (March 27, 2023), accessed: 10 July 2023, <https://bit.ly/46DMRmP>

(2) سبوتنک عربی، ایران تعلق مجددا علی "أزمة حفل الدرّة" مع الكويت، (11 جولای 2023)، تاریخ بازدید: 11 جولای 2023، <https://bit.ly/3pFjyzH>

می‌کرد، دگرگون شده است. این شرایط یک فرصت تاریخی برای چین رقم زد تا نفوذ خود را در منطقه تقویت کند و خاورمیانه به عنوان بخشی از رقابت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک با واشنگتن در سطح بین الملل مطرح گردد.

بی تردید، خط مشی عربستان در استقلال‌گرایی و تنوع بخشیدن به شراکتها، ایران را به عادی سازی روابط و همکاری با عربستان تشویق کرد. مشی سیاست خارجی نشان می‌دهد که گزینه های کشورهای منطقه تا حد زیادی متأثر از منافع ملی است و به دور از آنچه قدرتهای بین المللی دیکته می‌کنند. این تغییر در رویکرد عربستان سعودی با خواست ایران مبنی بر کاهش دخالت ایالات متحده در مسائل و درگیریهای منطقه و همچنین با گرایش منطقه ای ایران که در صدد است به انزوای خود پایان داده و از تأثیر تحریمهای ایالات متحده بکاهد، همخوانی دارد. و اگر گفتگوها در مورد تقویت همکاری اقتصادی و مبادلات تجاری میان دو کشور به ثمر برسد، آنگاه ایران به دستاورد بسیار مهمی رسیده است. زیرا عادی سازی روابط با پادشاهی عربستان سعودی، تلاشها برای انزوای ایران را با مشکل روبرو می‌سازد و حتی ممکن است این عادی سازی روابط به کاهش نفوذ آمریکا در منطقه نیز منجر شود.<sup>1</sup>

در پی اقدام به بهبودی رابطه با پادشاهی عربستان سعودی، تهران در صدد برآمد تا باقیمانده ائتلاف ضد ایرانی به رهبری آمریکا در منطقه را متزلزل سازد. اکنون که تفاهم میان عربستان سعودی و ایران در مورد روابط دوجانبه و مخصوصاً همکاری اقتصادی که بی تردید نقطه ضعفی در سیاست تحریمهای آمریکا به شمار می‌رود روبه پیشرفت است، و حال که دو کشور در مورد چندین پرونده از جمله پرونده بحرین و یمن تا حدودی به تفاهم رسیده اند، ایران بیشترین تلاش خود را به کار می‌گیرد تا از دستاوردهای منطقه ای خود در راستای مقابله با ایالات متحده و اسرائیل استفاده کند. و حملات شبه نظامیان ایران به پایگاههای آمریکایی در سوریه، شروع دوباره حملات دریایی به کشتی های آمریکایی در خلیج، توسعه برنامه موشکی، تکمیل روند نزدیک شدن به آستانه هسته ای، ادامه سیاست نگاه به شرق با تقویت رابطه با چین و روسیه و ائتلافهای ضد آمریکایی در سطح بین الملل از جمله پیوستن به سازمان شانگهای، همچنین سفر رئیس هیئت مدیره آمریکا لاتین و آفریقا در چارچوب فعالیت به دور از غرب و تقویت نفوذ در حیات خلوت ایالات متحده بهترین دلیل برای این مدعا است. و برخلاف انتظارات برخی، این توافق به ایران فرصت داد تا به نفع ترتیبات منطقه ای و بین المللی ضد آمریکایی وارد عمل شود.<sup>2</sup>

## برآیند

(1) سایت رویداد 24، مذاکرات ایران و آمریکا برای توافق موقت است / می‌خواهند پرونده هسته ای تا دو سال در شرایط موقت حفظ شود، (22 خرداد 1402 ه ش)، تاریخ بازدید: 10 جولای 2023، <https://us.cutt/UYfRn/>

- Trita Parsi, An Unwritten Deal Is Exactly What Iran and America Need, foreign affairs, (JUNE 20, 2023), accessed: July 10, 2023, <https://cutt.us/WfQPp>

(2) Steven A. Cook, Saudi-Iranian Rapprochement Has Failed to Bring De-escalation., foreign affairs, (JUNE 12, 2023), accessed: July 10, 2023, <https://bit.ly/43kR87>

بی تردید عادی سازی روابط به هر دو کشور عربستان سعودی و ایران امکان می دهد که در یک فضای امن و با ثبات، طرحهای داخلی را به ثمر برسانند. این توافق به عربستان سعودی امکان می دهد تا چشم انداز بلندپروازانه 2030 را محقق سازد؛ گفتنی است براساس این چشم انداز، عربستان در تلاش است تا در سالهای آینده به یکی از ده اقتصاد برتر دنیا بدل شود، طرحهای بلندپروازانه خود در مورد رهبری منطقه را پیش ببرد، منطقه را از وضعیت تنش به ثبات و شکوفایی سوق دهد، نقش آفرینی بیشتری - مانند میانجیگری در مبادله اسرا میان روسیه و اوکراین - در سطح بین الملل ایفا کند، و یا به مرکز منطقه ای انرژی تجدید پذیر تبدیل شود، بلکه فراتر از همه اینها عربستان در صدد است از طریق ابتکار خاورمیانه سبز تمام منطقه را برای دوره پسانفت آماده کند.

اما چالشهای چندی نیز وجود دارد. علی رغم اینکه سیاست عربستان سعودی یک توازن قدرت را در منطقه رقم زده است به گونه ای که هیچ یک از طرفین نمی توانند در این درگیری به پیروزی مطلق دست یابند، اما شدت این درگیری و دامنه و سابقه تاریخی آن می تواند نقش منفی بازی کند. هرچند که درگیری میان ریاض و تهران غیر مستقیم بوده است اما چنان پر دامنه بوده است که تمام منطقه را در بر گرفته است و حتی از آن نیز فراتر رفته و به مناطق دیگری در آفریقا، منطقه آسیای میانه و قفقاز نیز کشیده شده است و به اختلافات دربارہ پرونده هسته ای ایران نیز دامن زده است. پس می توان گفت که روابط عربستان سعودی و ایران با چالشهای گوناگون و پیچیده ای روبرو است به گونه ای که مسائل ایدئولوژیک و فرقه ای با منافع امنیتی و نفوذ منطقه ای و روابط با کشورهای بزرگ در هم تنیده است و تفکیک این مسائل از یکدیگر سخت دشوار است. لذا، این احتمال وجود دارد که رابطه ایران با شبه نظامیان مسلح و بازیگران غیردولتی مورد حمایت ایران جلوی موفقیت میانجیگری چین مانع ایجاد کند. از این رو، برای اینکه ثمره این دیپلماسی از تنش زدایی و توافق صرف فراتر رود و به پایان درگیری و تقویت فرصتهای همکاری منجر شود، چاره ای جز کاهش نفوذ بازوهای نیابتی ایران باقی نمی ماند.

برخی بر این باورند که ایران از انگیزه های ایدئولوژیک و تلاشهای خود برای سلطه بر منطقه دست نخواهد کشید؛ زیرا جریانهای تندرو در ایران چندان به عادی سازی روابط با پادشاهی عربستان سعودی روی خوش نشان نمی دهند و هنوز برخی از این جریانها همچنان به باورهای ایدئولوژیک چنگ زده اند. دشمنی ایران با پادشاهی عربستان سعودی ریشه دار و از نظریه ولایت فقیه که بر سیاست خارجی نیز سایه افکنده است، نشأت می گیرد. همچنین، در دکنترین سپاه پاسداران اساسا پادشاهی عربستان سعودی به عنوان یک رقیب منطقه ای تعریف شده است. و هیچ روشن نیست که آیا رژیم ایران برای تغییر این دیدگاه آمادگی جدی دارد یا خیر. این در حالیست که ریاض در این زمینه واقع گرا تر به نظر می رسد و برنامه های عملگرایانه تری را روی دست دارد. و این امر نیاز دارد که تهران نیز گامهای متقابلی بردارد و چین نیز برای پیشبرد این توافق فشارهایی را وارد کند. اما این فشارها ممکن است در داخل

ایران کش و قوسهایی را تجربه کند؛ چرا که این فشارها با اصول ثابت سیاست خارجه ایران که مخالف هرگونه سلطه و دخالت خارجی و دنباله روی از سیاستها و فشارهای خارجی است، در تضاد است.

علاوه بر آن، رقابت منطقه ای در نبود یک ساختار امنیتی "مجموعه امنیتی منطقه ای" و تعاملات و تحولات ناشی از این وضعیت بر سیاست منطقه ای پادشاهی عربستان سعودی سایه می افکند. و این احتمال وجود دارد که پیوستن اسرائیل به یک ساختار امنیتی منطقه ای، در سیاست خارجی پادشاهی عربستان سعودی چالش ایجاد کند. چون عربستان باید میان هویت خود و هرگونه همکاری امنیتی با اسرائیل موازنه برقرار کند. و این مسأله ای است که ایران تلاش می کند با استفاده از آن اعتبار و جایگاه پادشاهی عربستان سعودی را تضعیف کند. همچنین جدای از ایران، قدرتهای منطقه ای دیگری نیز برای برای کسب جایگاه تأثیرگذاری برنامه های جاه طلبانه ای دارند. به عنوان مثال، قدرتهای خلیج در مقابل صعود برق آسای سیاست عربستان سعودی حساس هستند. و این امر منجر به پیدایش تغییرات و ائتلافهای تازه ای می شود که منطقه را به سوی آشفتگی و رقابت بیشتر سوق می دهد؛ مخصوصاً در سایه مسابقه تسلیحاتی و ائتلافهای متعددی که توسط قدرتهای منطقه ای به راه افتاده است. و این به نوبه خود موجب پدید آمدن شکافی می شود که ممکن است ایران برای مقابله با صعود جایگاه و افزایش تأثیرگذاری عربستان سعودی از آن بهره گیرد.

از سویی دیگر، شرایط ناآرام بین الملل تهدید و چالشی برای کارآمدی سیاست خارجی عربستان ایجاد می کند. از نظر ایالات متحده رویکرد عربستان سعودی مخصوصاً در قبال ایران و چین کاهش اعتبار بین المللی و نفوذ منطقه ای آمریکا را در پی داشته و جایگاه بین المللی آن را تضعیف کرده است. بعد از اینکه برای چندین دهه سیاست پادشاهی عربستان سعودی در قبال ایران با سیاست ایالات متحده یکسان بود، ناگهان در یک رویکرد عملگرایانه و غافلگیرانه ای تصمیم به عادی سازی روابط با ایران گرفت. این تصمیم نمونه ای از گرایش استقلال گرایانه عربستان سعودی است که از زوایه دیگری به جهان می نگرد. و احتمال دارد که این مسأله ایالات متحده را بر آن دارد تا در روش خود در قبال خاورمیانه تغییراتی اعمال نماید. همچنین این توافق برخلاف ساز و کار آمریکا برای امنیت منطقه ای است. زیرا ایالات متحده در صدد بود تا یک چارچوب امنیتی منطقه ای برای مقابله با تهدید ایران ایجاد کند که اسرائیل نیز در آن حضور داشته باشد. این طرح از همان زمان که بایدن در اواسط سال 2022 میلادی به منطقه سفر کرد، مطرح شد. فلسفه ایجاد چنین چارچوبی این بود که مسئولیت امنیت منطقه ای را به همپیمانان خود از جمله اسرائیل بسپارد. این امر با راهبرد آمریکا در قبال ایران که همانا مقابله و جلوگیری از فعالیتهای بی ثبات کننده ایران در منطقه و اولویت دادن به گزینه دیپلماسی در حل پرونده هسته ای ایران با احتمال استفاده از سایر گزینه ها است، همخوانی داشت. اما با افزایش تردیدها در مورد جدیت و کارآمدی راهبرد آمریکایی، توافق عربستان سعودی و ایران این طرح امنیتی آمریکا را متوقف کرد. البته احتمال دارد در آینده

این طرح یا شکل تغییر یافته آن اجرایی شود. و احتمالا، طبق این فرمت جدید شراکت امنیتی آمریکایی با کشورهای خلیج و مخصوصا پادشاهی عربستان سعودی همچنان ادامه خواهد یافت و امکان پیوستن کشورهای بیشتری به پیمان ابراهیم همچنان وجود خواهد داشت. اما تا زمانیکه توافق عربستان و ایران همچنان پابرجا و کارساز باشد، ساختار چارچوبی که آمریکا برای امنیت منطقه ترسیم می کند تا حد زیادی تغییر یافته و محدود خواهد شد. و اینجا این چالش مطرح می شود که ایالات متحده تا چه میزان می تواند این تحولاتی را که برخلاف طرحهای او در منطقه و جهان رخ می دهد تحمل کند.

و در پایان، می توان گفت که تغییرات ساختاری و رویکرد تازه سیاست خارجی عربستان سعودی چه رویکرد مقابله و چه رویکرد تنش زدایی در چارچوب انقلاب در سیاست خارجی عربستان سعودی و کودتا علیه سنتهای دیپلماتیک چندین دهه این کشور و یک رویکرد عملگرایانه در مسیر پاسداری از منافع ملی و تقویت نفوذ و تأثیرگذاری خارجی و نوگرایی با ابعادی تازه در سیاست خارجی و تلاش برای نقش آفرینی بیشتر در سطح منطقه و جهان از رهگذر دیپلماسی سازنده و روابط همکاری و نقش آفرینی در حل بحرانها و تقویت قدرت نرم و حضور عربستان سعودی است که از طریق فرآیند اصلاحات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی داخلی انجام می شود و سهم به سزایی در تغییر تصویر کلیشه ای عربستان دارد و این کشور را به عنوان مرکز نشاط و پویایی منطقه مورد توجه جهانیان قرار دهد. البته مهمترین مزایای اینها، تقویت قدرت بازدارندگی و آمادگی تام برای مقابله با دشمن است که در صورت نیاز با هدف پاسداری از امنیت و منافع ملی حیاتی صورت می گیرد.

مهمترین ویژگی که تغییرات سیاست خارجی عربستان به همراه داشته این است که این سیاست، یک رویکرد تعاملی، عملگرایی و همگام با تحولات است. ابتکار و تعامل مؤثر عربستان سعودی با فرصتها و چالشهای منطقه ای و بین المللی این سیاست را به منصفه ظهور رساند. و مهمترین آن اینکه، این تغییر در سیاست خارجی دقیقا با اصلاحات ساختاری عمیق داخلی سازگار شد و با روحیه نوگرایی چشم انداز ملی و جامع 2030 نیز درهم آمیخت. و این تغییری است که تحولات ژئوپلیتیک در منطقه و جهان را نیز لحاظ کرده است. و عربستان سعودی از پنجره این سیاست چهره متفاوتی از خود به جهان ارائه داده و توانسته است با به کارگیری امکانات مادی و معنوی تا حد زیادی موقعیت خود را ارتقا بخشیده و گام مهمی در راستای حمایت از منافع ملی و استقلال خود بردارد و شراکتهای خود را نیز تنوع بخشد. و همین امر به تقویت جایگاه این کشور و همچنین به تقویت قدرت نرم و سخت این کشور در مناطق مورد اهتمام انجامیده است. و بازنگری رابطه با ایران در میانه سیاستهای تدافعی و دیپلماسی از دیگر ثمرات این تغییر در سیاست خارجی است. عادی سازی روابط با ایران و تغییر مشی رقابت / درگیری و حتی تغییر در نقش قدرتهای بین المللی در این رقابت، نتیجه و یکی از پیامدهای عمده این تغییر است.





---

✉ [info@rasanahiiis.com](mailto:info@rasanahiiis.com)

🐦 [@rasanahiiis](#)

🌐 [www.rasanah-iiis.org](http://www.rasanah-iiis.org)

